یک‌شنبه
۲۴ آبان ۱۴۰۵
۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۵ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۷۰

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



گزارش بنیاد بازی‌های رایانه‌ای تصویری تازه از الگوی هزینه کرد گیمرهای ایرانی ترسیم کرد

بازار ۷۰ هزار میلیاردی بازی‌های دیجیتال

۵

مطالبات واردکنندگان
گرفتار پاسکاری دستگاه‌ها

چهار میلیارد یورو در انتظار تسویه

۱

درباره انتخاب اسم نوزادان
که این روزها تنوع عجیب و غریبی دارد

از «گرگ آقا» تا «تیگران»

۷

بازگشت آلودگی
پس از بارندگی

باران می‌بارد اما هوا پاک نمی‌ماند

۶



چرا با وجود جنایت‌های آمریکا علیه کشورمان عده‌ای چشم‌های‌شان را روی واقعیت‌ها بسته‌اند؟

بازنگری دکترین هسته‌ای و خواب غلفت غرب‌زدگان

۳

هوش مصنوعی، زندگی واقعی



رضا ظریفی
دبیر تحریریه

«جایگاه هوش مصنوعی در زندگی امروز به سرعت گسترده‌تر شده است. این فناوری در آموزش، کسب‌وکار، پژوهش، خدمات مشتریان، تولید محتوا و بسیاری از ابزارهای روزمره حضور دارد. برای بعضی افراد، گفت‌وگو با یک سامانه هوشمند راهی سریع برای شروع کار یا پیدا کردن توضیحی اولیه است. برای سازمان‌ها نیز می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد؛ ولی همزمان درباره تغییر شغل‌ها، حفاظت از حریم خصوصی، مالکیت آثار و تمرکز قدرت در شرکت‌های بزرگ پرسش‌هایی جدی به وجود آورده است. اینکه این فناوری به سود چه کسانی تمام شود، فقط به خود سامانه بستگی ندارد؛ تصمیم‌های انسانی درباره طراحی، دسترسی و نظارت نیز اهمیت دارند. وابستگی بیش از حد به هوش مصنوعی می‌تواند خطرناک باشد، به‌ویژه اگر انسان توانایی ارزیابی و تصمیم‌گیری مستقل خود را کنار بگذارد. اعتماد بی‌چون‌وچرا ممکن است به پذیرش خطاها، کاهش تمرین مهارت‌هایی مانند نوشتن و پژوهش، یا تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات ناقص بینجامد. سپردن گفت‌وگوهای عاطفی و تصمیم‌های شخصی به سامانه نیز ممکن است جای ارتباط انسانی را بگیرد، در حالی که هوش مصنوعی همدلی واقعی و مسئولیت اخلاقی انسان را ندارد. همچنین وارد کردن اطلاعات خصوصی در ابزارهای دیجیتال می‌تواند نگرانی‌های امنیتی و حریم خصوصی ایجاد کند.

پس بهتر است هوش مصنوعی را نه دشمن انسان بدانیم و نه مرجعی بی‌خطا؛ بلکه ابزاری قدرتمند، اما محدود، تلقی کنیم که می‌تواند در فکر کردن و انجام کارها کمک کند، اما مسئولیت سنجش پاسخ‌ها و انتخاب نهایی بر عهده انسان باقی می‌ماند. استفاده سالم زمانی شکل می‌گیرد که از سرعت و توانایی این ابزار بهره ببریم، پاسخ‌های مهم را راستی‌آزمایی کنیم، اطلاعات حساس را بی‌دلیل در اختیارش نگذاریم و مهارت‌ها و رابطه‌های انسانی خود را حفظ کنیم.»

آنچه در بندهای بالاتر خواندید قضاوت و نظری است که یکی از ابزارهای هوش مصنوعی درباره خود دارد. پدیده‌ای که به خصوص در دو سال اخیر به شدت گسترده شده است و حتی در برخی موارد دیده می‌شود که دانش‌آموزان دبستانی هم از آن استفاده می‌کنند. استفاده از چنین ابزاری بر اساس آنچه در بالاتر ذکر شد، می‌تواند مانند استفاده از تیغی دو لبه باشد. اینکه بدانیم در چه سطحی و برای چه مقاصدی از هوش مصنوعی استفاده کنیم و پاسخ‌ها و راهکارهای ارائه شده چقدر درست، علمی و حتی منطقی هستند، چیزی است که ما باید برای آن تصمیم بگیریم. اما دیده می‌شود برخی از خانواده‌ها نسبت به استفاده فرزندان خود از هوش مصنوعی احساس غرور و سرافرازی دارند به گونه‌ای که خود را کنار کشیده و به اصطلاح در کنار گود شاهد راهکارهایی هستند که هوش مصنوعی به فرزندان‌شان ارائه می‌دهد. اما آیا تمام مسئله همین است؟ آیا والدینی که نسبت به استفاده فرزندان‌شان از هوش مصنوعی بی‌تفاوت هستند و این ابزار را چون دوستی همراه و صمیمی می‌دانند، می‌توانند مدتی دیگر شخصیت، رفتار و حتی خصایص فرزند خود را درک کنند؟ این مبحث این روزها در بسیاری از مجامع علمی و به خصوص از سوی روان‌شناسان و علمای علم اجتماع در حال بررسی و کارشناسی است اما باید این نکته مهم به صورت موکد به خانواده‌ها یادآوری شود که اگرچه حتی برخی پیام‌رسان‌های داخلی نیز ابزار هوش مصنوعی را فعال کرده‌اند اما اگر نمی‌توانید مانع استفاده فرزندتان از هوش مصنوعی شوید، دست‌کم سعی کنید میزان و مقدار استفاده از آن را کنترل کنید. فرزندی که به جای مطالعه، تحقیق و پژوهش با استفاده از ابزار هوش مصنوعی به دنبال یافتن پاسخ‌های درسی و غیردرسی است در سال‌های آتی زندگی خود با مشکلاتی مواجه خواهد شد که دیگر نمی‌توان برای آن راهکاری جست.

مطالبات واردکنندگان، گرفتار پاسکاری دستگاه‌ها

چهار میلیارد یورو در انتظار تسویه

نزدیک به ۲۰ ماه از انباشت مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی می‌گذرد؛ مطالباتی که با وجود گذشت زمان، همچنان تعیین تکلیف نشده و حالا به موضوع اختلاف میان دستگاه‌های مسئول درباره منشأ تامین منابع و متولی پرداخت بدهی‌ها تبدیل شده است؛ اختلافی که در شرایط حساس اقتصاد کشور، نگرانی‌هایی را درباره تداوم روند واردات و تامین کالاهای ضروری ایجاد کرده است.

به گزارش «آگاه» تامین ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی، همواره یکی از اولویت‌های اصلی در تخصیص منابع ارزی کشور بوده است؛ چراکه هرگونه وقفه در این فرآیند می‌تواند پیامدهای مستقیمی بر امنیت غذایی، سلامت جامعه و آرامش بازار داشته باشد. با وجود اهمیت این موضوع، طی ماه‌های اخیر، تسویه نشدن مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی به یکی از محورهای اختلاف میان دولت، بانک مرکزی و بخش خصوصی بدل شده است. مرور مواضع و اظهارات اخیر مسئولان حاکی از آن است که اکنون مسئله اصلی، پذیرش یا انکار اصل بدهی‌ها نیست، بلکه چگونگی تامین اعتبار و تعیین دستگاه مسئول برای پرداخت این مطالبات است.

طلب بیش از ۷۵۰ شرکت کوچک و بزرگ

برآوردهای منتشرشده از ابعاد این پرونده نشان می‌دهد مجموع بدهی دولت به واردکنندگان کالاهای اساسی به حدود چهار میلیارد و ۷۰ میلیون یورو می‌رسد؛ رقمی که به واردات اقلامی نظیر نهاده‌های دامی، روغن، برنج و دیگر کالاهای ضروری اختصاص دارد. در این میان، بیش از ۷۵۰ شرکت کوچک و بزرگ در شمار طلبکاران قرار دارند و بخشی از مطالبات آنها از دی ۱۴۰۳ تاکنون بدون پرداخت باقی مانده است؛ به‌طوری که در برخی موارد، زمان انتظار برای دریافت ارز به حدود ۲۰ ماه رسیده است. اما برای درک ریشه شکل‌گیری این بدهی‌ها باید به سازوکار پیشین تخصیص ارز ترجیحی بازگشت؛ روشی که بر اساس آن، واردکنندگان ابتدا نسبت به خرید و ورود کالا به کشور اقدام می‌کردند و دولت متعهد بود ارز مورد نیاز آنها را با نرخ ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان در مراحل بعدی تامین و پرداخت کند. اما طولانی شدن فرآیند تخصیص و پرداخت ارز، معادله مالی بسیاری از شرکت‌های واردکننده را برهم زده است. این شرکت‌ها در حالی کالاهای مورد نیاز کشور را وارد و به بازار عرضه کرده‌اند که همچنان در انتظار دریافت منابع ارزی مربوط به محموله‌های وارداتی خود هستند. اهمیت این مسئله فراتر از ثبت یک بدهی در حساب‌های مالی دولت و شرکت‌هاست؛ چراکه منابعی که می‌توانست دوباره در چرخه واردات قرار گیرد و صرف تامین محموله‌های جدید شود، همچنان در انتظار تسویه باقی مانده است. وضعیتی که از یک سو نقدینگی فعالان این حوزه را تحت فشار قرار داده و از سوی دیگر، توان مالی آنها برای تداوم فعالیت و تامین مستمر کالاهای اساسی را با محدودیت مواجه کرده است.

نامه‌نگاری مجلس برای پایان دادن به بلاتکلیفی مطالبات

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، در اوایل آبان با ارسال نامه‌ای به عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، خواستار پیگیری فوری و تعیین تکلیف مطالبات ارزی پرداخت نشده حدود ۸۰۰ واردکننده کالاهای اساسی شد. در این نامه با اشاره به تبعات تداوم وضعیت موجود آمده است که بلاتکلیفی مطالبات، علاوه بر تحمیل فشارهای مالی به فعالان اقتصادی و ایجاد اختلال در ایفای تعهدات آنها، می‌تواند توان تامین مالی و استمرار فعالیت واردکنندگان را تحت تاثیر قرار دهد و پیامدهای منفی برای روند تامین و واردات کالاهای اساسی کشور به همراه داشته باشد.

بانک مرکزی: پرداخت مطالبات بر عهده دولت است

اما در واکنش به این مکاتبه، عبدالناصر همتی با تشریح سازوکار تامین ارز در سال‌های گذشته، مسئولیت پرداخت مطالبات را متوجه دولت دانست و تاکید کرد که این بدهی‌ها از جنس تعهدات دولت در تامین ارز ترجیحی است و نمی‌توان آن را به عنوان بدهی بانک مرکزی به واردکنندگان تلقی کرد. در پاسخ رئیس کل بانک مرکزی آمده است که بر اساس رویه سال‌های گذشته، واردکنندگان کالاهای اساسی با اتکا به تعهد دولت مبنی بر تامین ارز با نرخ ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان، اقدام به واردات و عرضه کالا می‌کردند. در این سازوکار، دولت منابع ارزی مربوط را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌داد و بانک مرکزی نیز پس از فروش ارز به واردکنندگان، معادل ریالی آن را به حساب دولت واریز می‌کرد. بر همین اساس، ایفای تعهدات یادشده مستلزم تامین منابع مالی از سوی دولت است. به گفته همتی، تعیین تکلیف این مطالبات در وهله نخست به دو اقدام اساسی نیاز دارد؛ شناسایی واردکنندگان مشمول و احصای دقیق تعهدات دولت و همچنین پیش‌بینی و تامین منابع مالی مورد نیاز برای پرداخت آنها. در همین راستا، مطابق تصمیم کمیسیون اصلی اقتصاد دولت در سوم آبان ۱۴۰۵ مقرر شده است پس از تصویب هیات وزیران، وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت، واردکنندگان مشمول را شناسایی و میزان تعهدات دولت را مشخص کند. در مرحله بعد نیز با تامین منابع مالی، پرداخت این تعهدات انجام خواهد شد. رئیس کل بانک مرکزی در پایان اعلام کرده است که این بانک پس از تعیین تکلیف تعهدات و تامین منابع مورد نیاز از سوی دولت، آمادگی دارد اقدامات اجرایی لازم را برای تسویه حساب در دستور کار قرار دهد.

مطالبه مجلس از رئیس جمهور برای تعیین تکلیف بدهی‌ها

با ادامه بلاتکلیفی مطالبات و بی‌نتیجه ماندن پیگیری‌های قبلی، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در ۱۹ آبان بار دیگر موضوع را در سطحی بالاتر دنبال کرد و این بار غلامرضا تاجگردون در نامه‌ای به رئیس جمهور خواستار ورود مستقیم دولت برای حل این مسئله شد. تاجگردون در این نامه با اشاره به درخواست‌ها و مراجعات جمعی از واردکنندگان کالاهای اساسی اعلام کرد که موضوع پرداخت مطالبات و تعهدات مالی مربوط به واردات این کالاها از طریق مکاتبه و پیگیری با سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است. وی با بیان اینکه پاسخ‌های دریافتی تاکنون به تصمیم نهایی و ارائه راهکار اجرایی منتهی نشده است، تصریح کرد که پاسخ دستگاه‌های مسئول عمدتا به تشریح حدود وظایف و مسئولیت‌ها و موکول کردن پرداخت تعهدات به تامین منابع از سوی دولت محدود مانده است. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در تشریح پاسخ اخیر رئیس کل بانک مرکزی نیز یادآور شد که تعهدات مورد بحث، مربوط به تامین ارز ترجیحی از سوی دولت برای واردکنندگان کالاهای اساسی است و پرداخت آنها به شناسایی مشمولان، تعیین دقیق میزان تعهدات و پیش‌بینی و تامین منابع مالی از سوی دولت وابسته است. تاجگردون در ادامه از رئیس جمهور خواسته است با هماهنگی مستقیم دستگاه‌های مسئول، پنج اقدام مشخص را برای خروج این پرونده از وضعیت بلاتکلیف در دستور کار قرار دهد. نخست، وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارت اقتصاد و سایر دستگاه‌های مرتبط، واردکنندگان مشمول را شناسایی و میزان دقیق تعهدات و مطالبات تاییدشده دولت را احصا کند. دوم، عملکرد و میزان ایفای تعهدات هر شرکت به صورت جداگانه بررسی شود تا مطالبات واردکنندگان خوش‌حساب تحت تاثیر تخلفات احتمالی سایر شرکت‌ها قرار نگیرد. سوم، سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد با همکاری بانک مرکزی، منابع قابل تامین، نحوه تخصیص و سازوکار اجرایی پرداخت مطالبات تاییدشده را مشخص کنند. چهارم، مسئولیت هریک از دستگاه‌ها، مراحل اجرایی و مهلت انجام اقدامات تا زمان تسویه مطالبات تعیین شود تا از ارجاع مکرر موضوع میان دستگاه‌های مختلف بدون دستیابی به تصمیم نهایی جلوگیری شود. پنجم، گزارش مستندی از تعداد واردکنندگان مشمول، میزان مطالبات احصاشده و تاییدشده، موارد نیازمند بررسی بیشتر، منابع پیش‌بینی‌شده و برنامه زمان‌بندی پرداخت به رئیس جمهور ارائه شود.

دستور رئیس جمهور برای بازپرداخت ۵۰ درصد مطالبات چه شد؟

این پیگیری‌ها در شرایطی ادامه دارد که موضوع مطالبات واردکنندگان پیش از این نیز در سطح دولت مطرح و برای آن دستوراتی صادر شده بود. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، ۲۲ تیرماه با هدف حمایت از امنیت غذایی کشور دستور داد ۵۰ درصد مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی بازپرداخت شود. با این حال، گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد با گذشت حدود ۱۰۰ روز از صدور این دستور، پرداخت مطالبات همچنان با تاخیر همراه بوده و موضوع برای پیگیری بیشتر به سطوح بالاتر دولت و سران قوا کشیده شده است. در دوم آبان نیز اعلام شد راهکارهای مختلفی برای تسویه این بدهی‌ها در دست بررسی قرار دارد که از جمله آنها می‌توان به استفاده از منابع صندوق توسعه ملی، تمدید تسهیلات ارزی و ریالی و پرداخت سود و جرایم بانکی شرکت‌های طلبکار اشاره کرد. همچنین محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، در نهم آبان با ارسال نامه‌ای بر ضرورت تسریع در پرداخت مطالبات چهار میلیارد و ۷۰ میلیون یورویی واردکنندگان تاکید کرد. مجموع این اقدامات نشان می‌دهد دولت با وجود اختلاف نظر درباره سازوکار تامین منابع و نحوه اجرای تعهدات، ضرورت تعیین تکلیف مطالبات واردکنندگان را پذیرفته است؛ با این حال، آنچه همچنان محل ابهام باقی مانده، تبدیل تصمیمات و پیگیری‌ها به یک برنامه اجرایی مشخص برای پرداخت بدهی‌هاست.

بخش خصوصی همچنان در انتظار تسویه مطالبات

در سوی دیگر این پرونده، تشکل‌های بخش خصوصی نیز نسبت به طولانی شدن فرآیند تسویه مطالبات اعتراض دارند. حدود ۱۰ تشکل فعال در حوزه واردات کالاهای اساسی در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی، خواستار تعیین تکلیف مطالبات خود شده‌اند. محمدرضا کلامی، نماینده تشکل‌های تامین‌کننده کالاهای اساسی، نیز با انتقاد از بلاتکلیفی نزدیک به ۱۹ ماهه مطالبات واردکنندگان تاکید کرده است که این مبالغ در واقع سرمایه در گردش تجار محسوب می‌شود که باید در موعد مقرر به آنها بازگردانده می‌شد. از نگاه فعالان این بخش، تداوم چنین وضعیتی تنها به کاهش توان مالی شرکت‌ها برای تامین محموله‌های بعدی محدود نمی‌شود، بلکه بازپرداخت تسهیلات بانکی و ایفای سایر تعهدات مالی آنها را نیز با دشواری مواجه می‌کند. از همین رو، بخش خصوصی تعیین تکلیف فوری مطالبات و اعلام زمان‌بندی روشن برای پرداخت آنها را مطالبه می‌کند.

درخواست فوری بیش از یک هزار شرکت از سازمان برنامه و بودجه

اما در تازه‌ترین اقدام، ۲۲ آبان نمایندگان شرکت‌های بازرگانی، تولیدی و فعال در زنجیره تامین کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی، طی نامه‌ای به سیدحمید پورمحمدی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، خواستار برگزاری جلسه‌ای حضوری و فوری برای بررسی مطالبات ارزی تعیین تکلیف‌نشده شدند. امضاکنندگان این نامه با اشاره به وجود بیش از یک هزار شرکت دارای مطالبات ارزی تعیین‌تکلیف‌نشده، اعلام کرده‌اند که استمرار این وضعیت مشکلات جدی برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری شرکت‌ها ایجاد کرده و تامین منابع مالی، ایفای تعهدات تجاری و تداوم فعالیت در زنجیره تامین کالاهای مورد نیاز کشور را با محدودیت مواجه ساخته است. نمایندگان این شرکت‌ها همچنین با درخواست تعیین زمان و مکان ملاقات در روز گذشته شنبه ۲۳ آبان، آمادگی خود را برای معرفی ۱۰۰ نفر از نمایندگان شرکت‌ها به منظور تشریح مشکلات و ارائه راهکارهای تسریع در تعیین تکلیف مطالبات ارزی اعلام کرده‌اند.

تامین ارز کالاهای اساسی؛ آزمون هماهنگی سیاست‌گذاران

در مجموع، دو پرونده تامین ارز کالاهای اساسی و حوزه سلامت، اگرچه از نظر سازوکار اجرایی و ماهیت تعهدات تفاوت‌هایی دارند، اما هر دو به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست ارزی کشور، یعنی مدیریت منابع محدود و تامین به‌موقع نیازهای ضروری، مربوط می‌شوند. در پرونده کالاهای اساسی، مسئله اصلی بازپرداخت تعهدات انباشته‌شده دولت به واردکنندگان است؛ تعهداتی که به گفته بانک مرکزی، ایفای آنها بدون تامین منابع از سوی دولت امکان‌پذیر نیست. در مقابل، در حوزه سلامت، بانک مرکزی از افزایش تامین ارز و استفاده از ابزارهای اعتباری برای تسهیل واردات خبر داده است. با این حال، افزایش آمار تامین ارز دارو به‌تنهایی به معنای برطرف شدن تمام مشکلات واردکنندگان نیست و باید میان تخصیص ارز، تامین واقعی آن و پرداخت به‌موقع مطالبات شرکت‌ها تفاوت قائل شد. اکنون پرسش اصلی این است که دولت از چه محلی و در چه بازه زمانی منابع لازم برای تسویه بیش از چهار میلیارد یورو مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی را تامین خواهد کرد و آیا راهکارهای در دست بررسی می‌تواند پیش از آنکه مشکلات نقدینگی به اختلال در واردات محموله‌های جدید منجر شود، به نتیجه برسد؟ در نهایت، پیامدهای تاخیر در تامین مالی این بخش ممکن است تنها متوجه واردکنندگان نباشد و در قالب افزایش هزینه تامین کالا و دشوارتر شدن دسترسی به اقلام ضروری، به بازار و مصرف‌کنندگان نیز منتقل شود.



پزشکیان، رئیس جمهوری:
دولت مصمم به انسداد گلوگاه‌های فساد است

نخستین جلسه ستاد سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید برگزار شد



معاون اول رئیس جمهور در نخستین جلسه ستاد «سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید» با تاکید بر ضرورت مردمی بودن مراسم سالگرد رهبر شهید انقلاب گفت: این مراسم حاکمیتی نیست و ما صرفا باید تسهیلگر برگزاری آن باشیم؛ چرا که نقش و حضور مردم در برگزاری چنین مراسمی اهمیت اساسی دارد.

محمدرضا عارف که طی حکمی از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحسن خامنه‌ای، رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای به عنوان رئیس ستاد سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید منصوب شده است در نخستین جلسه این ستاد که روز گذشته شنبه، ۲۳ آبان ۱۴۰۵ برگزار شد با بیان اینکه امروز هیچ یک از ما نمی خواستیم در چنین جلسه‌ای شرکت کنیم که در زمان حیات ما برگزار می‌شود اما قضا و قدر اینگونه رقم زده است، گفت: رهبر مجاهد ما با شهادت خود باعث شدند مسیری که ترسیم کرده بودند را قوی‌تر طی کنیم آن هم با وجود دشمنی که هرچه می‌گذرد، رذالت او بر همگان فاش می‌شود؛ اما از طرفی دست برتر ما نیز نسبت به آنها به نمایش گذاشته شده است. معاون اول رئیس جمهور در ادامه با تاکید بر اینکه امروز مردم از ما انتظار دارند و سنگینی کار ما آنجاست که قرار است از طرف امت اسلامی تصمیم‌گیری کنیم، اظهار کرد: ما پیچ‌های سختی را گذراندیم و مسیرهای سختی را داشتیم اما توانستیم کورترین گره‌ها را بازکنیم.

وی در ادامه با بیان این پرسش که چه کسی تصور می‌کرد بتوانیم در برابر کشورهایی که ادعا داشتند و جزو مدعی‌ترین ها بودند بایستیم و به پیروزی برسیم، اظهار کرد: آنها امروز در باتلاق خودساخته خود هر روز بیشتر فرو می‌روند و امروز ما به نمایندگی از امام شهید و مسلمانان مظلوم دنیا این مراسم را برگزار می‌کنیم تا بر همگان فاش کنیم که در برابر چه کسانی ایستاده‌ایم.

عارف در ادامه اقدامات این ستاد را در حد سیاست‌گذاری دانست و افزود: لازم است کمیته تلفیق و کمیته دبیرخانه داشته باشیم که کار را اجرا کند چرا که در این مسیر توقع و نقش مردم و مردمی بودن مراسم باید مورد توجه باشد. این مراسم حاکمیتی نیست بلکه مردمی است و ما فقط باید تسهیلگر برگزاری آن باشیم. مراسم تشییع امام شهید نیز به خاطر همین به خوبی برگزار شد چرا که مسئولیت ستادها را مردم برعهده داشتند.

معاون اول رئیس جمهور در پایان سخنان خود با اشاره به مناسبت‌هایی که امسال با شهادت رهبر شهید و انتخاب رهبر جدید مصادف شده است، خاطرنشان کرد: شهادت رهبر شهیدمان با شهادت امیرالمومنین علی (ع) و انتخاب رهبر جدید با عید فطر مصادف شده که باید آن را به عنوان ظرفیتی دانست و استفاده کرد. در این میان وظیفه و ایفای نقش کمیته بین‌الملل نیز بسیار حائز اهمیت و یکی از مطالبات مهم نخبگان است. امروز از ایران هراسی عبور کرده‌ایم و دیگر این پروژه شکست خورده است و باید اهداف والاتری را دنبال کنیم که کمیته بین‌الملل می‌تواند در ایفای آن مثمر ثمر باشد.

اولویت برگزاری مراسم سالگرد رهبر شهید، مردمی بودن است



حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نیز در این جلسه با بیان اینکه اولویت اصلی نگاه مردمی است که باید در برگزاری مراسم سالگرد امام شهید داشته باشیم، گفت: پرداختن به ابعاد تخصصی و علمی نافی حضور مردم نیست و ما به جای مردم تصمیم‌گیری نخواهیم کرد بلکه به نمایندگی از آنها اقدام می‌کنیم و آنها نیز در این زمینه حضور دارند. وی با بیان اینکه امام شهید در نهم و دهم خرداد سال ۶۹ پیش از نخستین سالگرد رحلت امام راحل (ره) پیام ویژه‌ای در تبیین منش و اندیشه ایشان صادر کردند، اظهار داشت: ایشان توقع داشتند در این زمینه پردازش خوبی انجام شود؛ امروز نیز باید درباره منش و اندیشه رهبر شهید اقدامات لازم و به موقع داشته باشیم و کوتاهی نکنیم.

مهدی ابراهیم‌زاده، رئیس حوزه ریاست دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار رهبر شهید انقلاب هم در سخنانی با اشاره به سازوکار شکل‌گیری ستاد سالگرد افزود: با توجه به اهمیت برگزاری مراسم سالگرد و تجربه‌های گذشته، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحسن خامنه‌ای، رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام شهید در راستای ماموریت ذاتی این دفتر، با صدور احکامی ستادی را برای پیگیری این موضوع مهم تشکیل و در متن احکام محورهایی را برای پیگیری اعضای ستاد مشخص کردند. وی با اشاره به استقبال و اعلام آمادگی افراد و مجموعه‌های مختلف برای مشارکت در برگزاری مراسم سالگرد گفت: این ستاد ماهیتی مردمی دارد و هرفرد، نهاد، سازمان و مجموعه‌ای از مردم ایران باید در این حرکت مشارکت داشته باشد. مردم ایران خود را نسبت به شخصیت و مجاهدت‌های رهبر شهید مدیون می‌دانند و هر یک می‌توانند به سهم خود در این مسیر نقش‌آفرینی کنند.

رئیس حوزه ریاست دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب با تاکید بر ضرورت تبیین ابعاد داخلی و بین‌المللی شهادت رهبر انقلاب تصریح کرد: تاثیر خون‌های پاک ریخته‌شده و عظمت مجاهدت‌های صورت‌گرفته باید در عرصه داخلی و بین‌المللی به نتیجه‌ای نمایان در مسیر پیروزی حق بر باطل منجر شود. باید از ظرفیت حقانیت و مظلومیت رهبر شهید و خانواده ایشان و خون پاک دیگر شهدا برای تبیین این حقیقت و رساندن پیام آن به جهانیان بهره گرفت.

ابراهیم‌زاده با بیان اینکه ماموریت ستاد صرفا به برگزاری مراسم در روز سالگرد محدود نمی‌شود، گفت: هدف این است که با هماهنگی و هم‌افزایی ظرفیت‌های موجود، برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت طراحی شود تا یاد، اندیشه و مجاهدت‌های رهبر شهید در جامعه زنده و ماندگار بماند. در همین راستا، کمیته‌هایی نیز ذیل ستاد تشکیل شده است که در بخش‌های تخصصی مانند حوزه بین‌الملل، تولید آثار فرهنگی هنری و مسائل رسانه‌ای کار را دنبال خواهند کرد.

چرا با وجود جنایت‌های آمریکا علیه کشورمان عده‌ای چشم‌های‌شان را روی واقعیت‌ها بسته‌اند؟

بازنگری دکترین هسته‌ای و خواب غلفت غرب‌زدگان



انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا در حالی برگزار شد که مروری بر مواضع جریان غربگرا در روزهای منتهی به این انتخابات، واقعیت‌های جالبی را نمایش می‌دهد؛ جریانی که چشم‌های‌شان را رو به واقعیت بسته بودند و هیچ نمی‌دیدند و هنوز هم حاضر نیستند از خواب بیدار شوند تا ببینند در پیرامون خودشان چه می‌گذرد.

به گزارش «آگاه»، «آمریکا هیچ وقت به دنبال تجزیه و فروپاشی سرزمینی ایران نبوده است، زیرا صورت حساب آن برای کاخ سفید می‌رود و بحران‌ها به مناطق مجاور ایران سرازیر می‌شود. قدرت بزرگ دنبال این ماجراجویی‌ها نمی‌رود. این اقدامات فقط در اندازه رژیم صهیونیستی است.» این مطلب را پیش از این یک دیپلمات سابق ایران بیان کرده بود. این اظهارات در حالی مطرح شد که در حوادث دی سال گذشته، رئیس جمهور آمریکا به طور رسمی مهر تاییدی بر حمایت ایالات متحده از اغتشاشگران و آشوبگران زد. کوروش احمدی همچنین در جریان یک مناظره مدعی شده بود: «ما باید دست ترامپ را در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پر می‌کردیم که بتواند در توافق باقی بماند.» در منطق غربگرایان توافق باید به هر قیمتی صورت بگیرد. با همین نگاه، در برهه‌ای برجام را بدون گرفتن امتیازاتی امضا کردند و اکنون نیز حاضرند هر امتیازی بدهند تا ترامپ در توافق بماند. توافقی که ترامپ آن را یک تکه کاغذ بی‌ارزش نامید!

موضع‌گیری‌های حامیان مذاکره به اینجا ختم نشد. پس از دو تجاوز رژیم صهیونی ـ با مشارکت ایالات متحده آمریکا به کشورشان ـ موجی برای بازنگری در دکترین هسته‌ای شکل گرفت و حتی حجت‌الاسلام حاج علی اکبری در یکی از خطبه‌های نماز جمعه به صراحت به این موضوع اشاره کرد. او هشتم آبان در خطبه‌های نماز جمعه تهران با بیان اینکه دشمنان همه خطوط قرمز ملت ایران را زیر پا گذاشته‌اند، امام ما را به شهادت رسانده‌اند و به تعهدات و قراردادهای خود پایبند نبوده‌اند، گفت: «ملت ایران در طول سال‌های گذشته تجربه‌ای دردناک از رفتار طرف مقابل داشته و اکنون با آگاهی و بصیرت گسترده، موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای را به‌عنوان یکی از عرصه‌های بازدارندگی و تامین امنیت ملی مطرح می‌کند. این مطالبه ریشه در حق حیات عزتمندانه ملت ایران دارد. برخی از مطرح شدن این موضوع عصبانی شدند، اما این خواست ملت ایران است و نباید آن را به یک گروه خاص محدود کرد.»

البته مواضع امام جمعه موقت تهران به مذاق تسلیم‌طلبان خوش نیامد و نسبت به آن جبهه‌گیری کردند؛ این اظهارات با انتقاد جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات ایران، مواجه شد. او در پیامی، با طرح پرسش‌هایی درباره حمایت ۷۰ درصدی مردم از ساخت سلاح هسته‌ای، خطاب به امام جمعه موقت تهران نوشت: «تغییر دکترین هسته‌ای و طرح موضوع ساخت بمب اتمی، تصمیمی ساده و شعاری نیست؛ پای امنیت، اقتصاد، منافع ملی و آینده ایران در میان است.»

واکنش جواد امام در شرایطی مطرح شده که طی هفته‌های اخیر، شماری از چهره‌های سیاسی و نمایندگان مجلس نیز از ضرورت بازنگری در سیاست هسته‌ای کشور سخن گفته‌اند.

تاکید مجلس خبرگان بر بازنگری در دکترین دفاعی کشور و خروج از NPT

مجلس خبرگان رهبری به تازگی در بیانیه‌ای با بیان اینکه تهدیدهای مکرر دشمن متجاوز به‌ویژه تهدید نسبت به دانش هسته‌ای کشور گویای آن است که نمی‌توان امیدی به نهادهای بین‌المللی مسئول در این زمینه داشت، آورده بود: «لذا بررسی موضوع خروج از NPT و بازنگری در دکترین دفاعی کشور و ایجاد بازدارندگی لازم ضرورتی اجتناب ناپذیر شده و به مطالبه‌ای عمومی و ملی تبدیل گردیده؛ امید است که مسئولان محترم با بهره‌گیری از هدایت‌های حکیمانه رهبری عزیز به این مطالبه توجه نمایند.»

در ادامه این بیانیه تاکید شده است: «در صورتی که دشمنان ناکام، قصد امتحان مجدد بخت سیاه خود را داشته باشند و حمله دیگری را آغاز کنند همچنان که رهبر حکیم و عزیز انقلاب بیان فرموده‌اند قطعا با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی نیروهای قهرمان ما مواجه خواهند شد. دستگاه سیاست خارجی کشور نیز بایستی در همین مسیر گام بردارد و زبان گویای مقاومت و ایستادگی کشور باشد و پیام روشن و قاطع ایران اسلامی را به همه به ویژه همسایگان برساند.»

در همین راستا، محمد حسینی، فعال سیاسی ضمن انتقاد از واکنش‌های جریان اصلاحات، می‌گوید: آنها همچنان بخش مهمی از مسائل راهبردی کشور، از جمله امنیت ملی و سیاست هسته‌ای را از دریچه مذاکره ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که تجربه سال‌های گذشته و به‌ویژه حملات نظامی اخیر نشان داده که نمی‌توان امنیت کشور را صرفا به توافق و تعهدات طرف مقابل گره زد. وی تاکید کرد: مسئله اینجاست که وقتی طرف آمریکایی از توافق‌ها عبور می‌کند، خطوط قرمز را نادیده می‌گیرد و حتی در میانه روندهای دیپلماتیک به اقدام نظامی متوسل می‌شود، دیگر نمی‌توان تمام بحث درباره بازدارندگی را به نگرانی از هزینه‌های اقتصادی و سیاسی تغییر دکترین هسته‌ای محدود کرد.

موضع امام جمعه موقت تهران درباره بازنگری در دکترین هسته‌ای، بر یک حقیقت استوار است: دشمن تنها زمانی عقب می‌نشیند که هزینه متجاوز بودن برایش کمرشکن شود. در ادبیات سیاسی آمریکا، دیپلماسی بدون قدرت، یعنی تسلیم داوطلبانه! وقتی طرف مقابل (آمریکا) از تمام توافقات عبور می‌کند، خطوط قرمز را به بازیچه می‌گیرد و در اوج مذاکره، موشک‌هایش را آماده می‌کند، دیگر نمی‌توان امنیت ملی را به خوش‌بینی‌های دیپلماتیک گره زد. در اینجا بازدارندگی هسته‌ای، به معنای تمایل به جنگ نیست، بلکه به معنای ایجاد وضعیتی است که دشمن، هرگونه اقدام نظامی علیه ایران را به معنای خودکشی خود بداند.

بخش تکان‌دهنده و تاسف‌بار این ماجرا، واکنش‌های داخلی است. اینکه در حالی که خون شهدا هنوز گرم است و زخم‌های جنگ‌های تحمیلی بر پیکره ملت باقی است، برخی چهره‌ها در ایام انتخابات آمریکا، به دنبال «سفیدنمایی» دولت متجاوز بودند، را نمی‌توان صرفا اشتباه محاسباتی دانست. تاریخ به ما آموخته است که آمریکا، نه از سر احترام به توافق‌ها و نه به خاطر خوش‌زبانی دیپلمات‌ها، از اشغال یا تخریب یک ملت دست کشیده است، بلکه تنها زمانی عقب‌نشینی کرده و از مرزهای یک کشور عبور نکرده، که با سدی از قدرت مطلق و بازدارندگی روبه‌رو شده است. برهمین اساس، توازن قدرت تنها چیزی است که می‌تواند اراده تهاجم را در دل متجاوز خاموش کند.

در نهایت، باید به این نتیجه رسید که امنیت ملی ایران، در اتاق‌های مذاکره در واشنگتن یا در پالس‌های مثبت به دولت‌های متغیر آمریکا تامین نمی‌شود. تاریخ مداخلات آمریکا در ایران ثابت کرده است که این کشور، دیپلماسی را ابزاری برای خریدن زمان و تضعیف رقیب می‌بیند، نه راهی برای رسیدن به صلح. بنابراین در دنیای امروز، دیپلماسی موفق تنها زمانی نتایج ملموس به همراه دارد که پشت آن، قدرت بازدارنده مطلق باشد. هرکسی که سعی دارد این معادله را تغییر دهد و سفیدنمایی از دشمن به جای تقویت بازدارندگی را ترویج کند، در توهم به سر می‌برد. آیا با دو جنگ تحمیلی وقت آن فرا نرسیده که این افراد از خواب غلفت بیدار شوند و به واقعیت‌ها تن دهند!

پیامدهای انهدام رادار آمریکا در بحرین چه بود؟

آمریکا در بحرین چشم‌هایش را از دست داد

هادی رضایی – دبیر گروه سیاسی: هدف قرارگرفتن رادار هشدار اولیه ارتش آمریکا در بحرین، یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات نظامی اخیر در منطقه است؛ اقدامی که در صورت تایید میزان خسارت اعلام شده، می‌تواند فراتر از انهدام یک سامانه شناسایی، بر بخشی از معماری اطلاعاتی و دفاع هوایی آمریکا در خلیج فارس تاثیر بگذارد. اهمیت این عملیات از آن جهت دوچندان است که بحرین میزبان مقرناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکاست و یکی از نقاط اصلی اتصال حضور نظامی واشنگتن به معادلات امنیتی تنگه هرمز به شمار می‌رود.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۲۲ اعلام کرد رزمندگان نیروی هوافضای سپاه در پاسخ به تجاوز هوایی دشمن به یک دکل مخابراتی در منطقه سیریک، رادار هشدار اولیه ارتش متجاوز آمریکا در جزیره بحرین را هدف قرار داده و منهدم کرده‌اند.

رادار هشدار اولیه چگونه کار می‌کند و چرا هدف مهمی است؟

رادار هشدار اولیه یکی از اجزای اصلی سامانه‌های مراقبت و دفاع هوایی است که وظیفه دارد تهدیدات احتمالی را در مراحل اولیه شناسایی کند و اطلاعات لازم را در اختیار مراکز فرماندهی قرار دهد. عملکرد این رادارها بر مبنای ارسال امواج الکترومغناطیسی و دریافت بازتاب آنها از اهداف پرنده است. سامانه با پردازش سیگنال‌های دریافتی می‌تواند موقعیت و برخی ویژگی‌های هدف را مشخص کند و اطلاعات آن را برای بررسی و تصمیم‌گیری به شبکه دفاع هوایی منتقل کند.

نیروی فضایی آمریکا در معرفی رادارهای هشدار اولیه ارتقایافته خود (UEWR) اعلام کرده است که این سامانه‌ها از فناوری آرایه فازی استفاده می‌کنند و قابلیت پوشش ۲۴۰ تا ۳۶۰ درجه دارند. این رادارها برای شناسایی و ردیابی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و موشک‌های بالستیک زیردریاپرتاب و همچنین پایش فضایی به کار گرفته می‌شوند. البته این مشخصات مربوط به خانواده مشخصی از رادارهای آمریکا است و نمی‌توان آنها را بدون اطلاعات فنی به رادار هدف قرارگرفته در بحرین نسبت داد. اهمیت چنین سامانه‌هایی را می‌توان در پنج ماموریت اصلی خلاصه کرد.

۱. **کشف زودهنگام تهدید:** شناسایی اهداف پرنده و موشک‌ها پیش از نزدیک شدن به مناطق حساس.

۲. **ردیابی مستمر:** ثبت مسیر حرکت اهداف و فراهم کردن اطلاعات لازم برای ارزیابی تهدید.

۳. **تشخیص و طبقه‌بندی:** کمک به تفکیک اهداف مختلف و ارزیابی ماهیت تهدید.

۴. **پشتیبانی از سامانه‌های رهگیر:** انتقال داده‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری و هدایت عملیات دفاعی.

۵. **تکمیل تصویر عملیاتی:** ایجاد ارتباط اطلاعاتی میان رادارها، مراکز فرماندهی و سایر تجهیزات نظامی.

در حقیقت، رادار هشدار اولیه را باید یکی از چشم‌های شبکه دفاعی دانست؛ چشمی که هرگونه اختلال در عملکرد آن می‌تواند بر سرعت و کیفیت واکنش سایر اجزای شبکه تاثیر بگذارد.

بحرین؛ چرا آمریکا این جزیره را به مرکز نظامی خود تبدیل کرده است؟

برای درک اهمیت هدف قرارگرفتن رادار آمریکایی، باید موقعیت بحرین در ساختار نظامی واشنگتن را شناخت. بحرین در مجاورت خلیج فارس و در نزدیکی یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی جهان، یعنی تنگه هرمز، قرار دارد. این موقعیت جغرافیایی، آن را به یکی از نقاط مهم حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا تبدیل کرده است. مقرناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا و فرماندهی نیروهای دریایی آمریکا در منطقه (NAVCENT) در منامه بحرین مستقر است.

براساس اطلاعات رسمی نیروی دریایی آمریکا، حوزه مسئولیت ناوگان پنجم حدود ۲.۵ میلیون مایل مربع وسعت دارد و آب‌های خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عرب را دربرمی‌گیرد. این حوزه سه گذرگاه راهبردی تنگه هرمز، کانال سوئز و باب‌المندب را نیز شامل می‌شود. این ارقام نشان می‌دهد که حضور آمریکا در بحرین صرفا به معنای برخورداری از یک پایگاه دریایی نیست؛ بلکه این کشور یکی از مراکز مهم فرماندهی و پشتیبانی عملیات دریایی واشنگتن در منطقه محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، زیرساخت‌های ارتباطی، راداری و شناسایی مستقر در این جغرافیا اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند؛ چراکه بخش مهمی از ماموریت نظامی آمریکا در منطقه بر پایه جمع‌آوری اطلاعات، نظارت بر تحرکات و هماهنگی میان نیروهای دریایی و هوایی استوار است.

پیام نظامی به آمریکا؛ جغرافیای پایگاه‌ها تضمین‌کننده امنیت نیست

یکی از ابعاد مهم عملیات اعلام‌شده، انتقال این پیام است که زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه را نمی‌توان مستقل از تحولات امنیتی پیرامون ایران ارزیابی کرد. آمریکا طی دهه‌های گذشته تلاش کرده است با استقرار نیروها و تجهیزات پیشرفته در کشورهای مختلف منطقه، امکان نظارت مستمر و واکنش سریع به تحولات را برای خود فراهم کند. اما همین پراکندگی جغرافیایی، در شرایط افزایش تنش، می‌تواند به یکی از چالش‌های امنیتی واشنگتن تبدیل شود. پایگاه‌ها، مراکز فرماندهی، سامانه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شناسایی، همگی در معرض پیامدهای گسترش درگیری قرار می‌گیرند همانگونه که در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه نیروهای مسلح کشورمان در پاسخ به جنایات آمریکا این پایگاه‌ها را در منطقه هدف حملات دقیق و ویران کننده قرار دادند. در این چارچوب، اهمیت عملیات اعلام‌شده سپاه را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:

نخست؛ سطح عملیاتی: هدف قرارگرفتن زیرساخت شناسایی و هشدار می‌تواند بر ظرفیت اطلاعاتی و آگاهی موقعیتی طرف مقابل تاثیر بگذارد.

دوم؛ سطح بازدارندگی: چنین اقدامی نشان می‌دهد که حضور نظامی آمریکا در کشورهای منطقه لزوما به معنای برخورداری از مصونیت در برابر پیامدهای یک درگیری نیست.

سوم؛ سطح سیاسی و روانی: هدف قرار گرفتن یک زیرساخت نظامی حساس، پیامدهایی برای ارزیابی هزینه و فایده ادامه عملیات نظامی علیه ایران در محاسبات واشنگتن خواهد داشت. در واقع، بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل بداند هر اقدام نظامی می‌تواند با هزینه‌ای متناسب و در سطحی فراتر از انتظار او مواجه شود.

جنگ امروز، جنگ بر سر چشم‌ها و گوش‌های میدان نبرد است

تحولات نظامی سال‌های اخیر نشان داده است که درگیری‌های مدرن تنها با تعداد موشک‌ها، جنگنده‌ها و تجهیزات نظامی سنجیده نمی‌شوند. توانایی شناسایی دشمن، اختلال در شبکه اطلاعاتی طرف مقابل، حفظ ارتباطات و مدیریت میدان نبرد، به بخش جدایی ناپذیر قدرت نظامی تبدیل شده است. از این منظر، اقدام اعلام‌شده سپاه در هدف قرار دادن رادار هشدار اولیه آمریکا در بحرین، فارغ از اختلاف روایت‌های تهران و واشنگتن درباره نتیجه نهایی آن، حامل یک پیام راهبردی مهم است: زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه بخشی از معادله امنیتی پیرامون ایران هستند و نمی‌توان آنها را از پیامدهای تجاوز نظامی علیه کشورمان جدا دانست. بحرین به دلیل میزبانی ناوگان پنجم آمریکا و موقعیت جغرافیایی خود در نزدیکی تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای واشنگتن در منطقه محسوب می‌شود. به همین دلیل، هرگونه تحول نظامی در زیرساخت‌های این کشور می‌تواند فراتر از یک حادثه محدود، در محاسبات دفاعی و امنیتی آمریکا اثرگذار باشد. پیام نهایی این تحول برای واشنگتن روشن است: برتری نظامی تنها با استقرار تجهیزات پیشرفته به دست نمی‌آید؛ حفظ امنیت، کارآمدی و پیوستگی شبکه شناسایی و فرماندهی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. در جغرافیای راهبردی خلیج فارس، هیچ قدرت فرامنطقه‌ای نمی‌تواند هزینه اقدامات نظامی خود را صرفا در محدوده مرزهای کشور هدف محاسبه کند.





علی‌اکبر صالحی، وزیر پیشین امور خارجه:
ایران در دو جنگ اخیر قدرتی حیرت‌انگیز از خود نشان داد

یکشنبـه/ ۲۴ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۰



چگونه دشمن می‌خواهد ما را تسلیم کند؟
تله صلح تحمیلی

پس از شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با سه گزینه دشوار در قبال ایران روبه‌رو شد. این سه گزینه عبارتند از: از سرگیری حملات نظامی، مذاکره برای توافق یا ادامه محاصره دریایی و فشار اقتصادی. جی‌دی ونس، معاون اول ترامپ و شماری از مشاوران او خواهان توافقند، اما ارتش تروریستی آمریکا برای احتمال از سرگیری جنگ آماده می‌شود.

به گزارش «آگاه» هر سه گزینه فوق‌الذکر هزینه‌های سیاسی سنگینی برای ترامپ دارد. بازگشت به جنگ، که ونس علنا آن را عامل شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان خواند، با نارضایتی رأی‌دهندگان از گرانی بنزین و فشار دموکرات‌ها در کنگره روبه‌رو می‌شود. مذاکره نیز در این شرایط پس از شکست انتخاباتی از موضع ضعف تلقی می‌شود و لذا برای ترامپ مطلوب نیست. گزینه سوم، تداوم محاصره و فشار اقتصادی، اگرچه مورد حمایت مقامات و مشاورانی چون اسکات بسنت و راتکلیف، وزیر خزانه‌داری و رئیس سیا است، ماه‌ها زمان می‌برد و نتایج فوری ندارد. بنابراین ترامپ در دام گرفتار شده و همین اختلافات داخلی، تصمیم‌گیری را به تعویق انداخته است.

ازوضعیت برزخی خارج شویم

اما سکته و تعویق در جبهه دشمن، برای ما نیز گران تمام می‌شود. ما نیز باید از این وضعیت برزخی خارج شویم. وضعیت کنونی، وضعیت نه جنگ، نه صلح است؛ این حالت اگر چه برای دشمن خوشایند نیست اما برای ما نیز مطلوب نیست.

نکته مهم در اینجا آن است که خروج از وضعیت نه جنگ، نه صلح را به معنای تسلیم در برابر دشمن معنا نکنیم. اگر هم قرار است صلحی با دشمن شود، باید دانست که این صلح، کمترین قرابتی با تسلیم ندارد. صلح با دشمن یعنی عادی شدن شرایط کشور به اضافه رخت بربستن سایه جنگ برای همیشه از بالای سر کشور. دشمن خونخوار و سفاک ما، در شرایط فعلی، قصدی برای ترک مخاصمه و صلح به معنای ایرانی آن، ندارد. ترامپ در همین روزهای اخیر تصریح کرده که ساقط نکردن نظام ایران، در پایان دوره ریاست جمهوری‌اش، برای او به منزله شکست محسوب می‌شود. پس صلحی که مدنظر ایران است با صلح مدنظر دشمن، کیلومترها فاصله دارد؛ در اینجا تنها یک راه برای خروج از وضعیت برزخی فعلی می‌ماند و آن هم جنگ است.

استراتژی جنگ پیش‌دستانه

باید استراتژی جنگ پیش‌دستانه را در دستور کار قرار دهیم و متهورانه و سلحشورانه از خطوط قرمز دشمن بگذریم؛ در جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، دشمن ما را غافلگیر کرد؛ این بار ورق را برگردانیم و ما او را غافلگیر کنیم. اگر صبر کنیم، آنگاه استراتژی محاصره دشمن، شاید نتیجه دهد؛ آنگاه مجبور به تن دادن به صلح مدنظر دشمن یعنی همان تسلیم می‌شویم.

نباید تردید کرد که اگر ترامپ می‌توانست، تاکنون به ایران حمله مجدد کرده بود. بسیاری معتقدند ترامپ در روز چهارشنبه ۱۳ آبان که مشخص شد هم کنگره و هم سنا را به رقبای دموکراتش باخته است، باید به ایران حمله می‌کرد اما از آنجایی که ارتش آمریکا هنوز در حمله ناتوان است و اصطلاحا برنامه مشخصی برای تجاوز ندارد، پس تجاوز مجدد به ایران به تعویق افتاده است. در چنین شرایطی ما باید پیش‌دستانه به دشمن حمله کنیم.

اکنون به قول ترامپ سه ناو زیبای آمریکا در تیررس موشک‌های غران و کوبنده ما هستند؛ باید هرسه ناو را زیر ضربه ببریم سپس باید مهر و موم تنگه هرمز را سفت‌تر کنیم و اجازه عبور حتی یک قطره نفت هم ندهیم. آنگاه مشاهده خواهیم کرد که با رسیدن نفت به ۲۰۰ دلار و انبوه تابوت‌های روانه شده به واشنگتن، دشمن مجبور می‌شود عقب نشینی کند. اگر بخواهیم در حصار صبر استراتژیک بمانیم، تنها به یک خودکشی تدریجی دعوت شده‌ایم. تنها با تغییر قواعد بازی و انتقال از موضع دفاع به تهاجم پیش‌دستانه، می‌توان از سقوط در دام صلح تحمیلی جلوگیری کرد؛ چرا که دشمن، صلح را نه به مثابه آرامش، بلکه به مثابه مقدمه‌ای برای فروپاشی نظام می‌بیند.

نوبت موشک‌هاست

زمان سیاست بازی‌های فرسایشی به سر آمده است. اکنون نوبت زبان موشک‌هاست تا با صدای رعدآسای خود، سکوت مصلحت‌اندیشانه را بشکنند. ما نباید منتظر بمانیم تا سایه ناوهای دشمن بر آب‌های ما سنگینی کند؛ بلکه باید با ضربات دقیق و کوبنده، توان تهاجم آنها را در همان خلیج فارس به خاک و خاکستر تبدیل کنیم. اگر پیش‌دستانه نزنیم، پیش‌دستانه می‌خوریم. اگر از خطوط قرمز نگذریم، آمریکا از خطوط قرمز بیشتری علیه ما خواهد گذشت. ترامپ خود را در آستانه سقوط می‌بیند و نمی‌خواهد سرشکسته و کتک خورده بیرون برود. آن طرفی که اتفاقا دچار تنهایی و انزوای راهبردی شده ترامپ و دارو دسته‌اش هستند نه ایران. اگر می‌خواهیم بازدارندگی را احیا کنیم باید با آمریکا و دو سه تا از ایادی‌اش در منطقه تسویه حساب کنیم. اگر منتظر بمانیم تا دشمن زمان و مکان حمله را انتخاب کند، در واقع ما بازی را به او واگذار کرده‌ایم. بازدارندگی، نه در سایه تحمل تهدید، بلکه در آستانه خلق تهدید متقابل شکل می‌گیرد. هر روز تعویق، یک فرصت طلایی برای دشمن است تا حلقه محاصره را تنگ‌تر کند؛ پس باید پیش از آنکه این حلقه بسته شود، خودمان گره‌های آن را پاره کنیم.

امید دشمن به عملیات طرد اقتصادی

دشمن آمریکایی امید دارد تا پروژه طرد اقتصادی علیه ایران کارگر افتد و پس از ضعیف و نحیف شدن ایران از منظر اقتصادی، ضربات نظامی را وارد آورد. باید بازی را به هم بزنیم و از همین حالا ادوات و پایگاه‌ها و قوای تروریست دشمن را زیر ضربه ببریم. چندی پیش، اندیشکده رند، وابسته به دولت آمریکا گزارش داد که محاصره آمریکا علیه ایران و طرح موسوم به عملیات طرد اقتصادی، عموما در مسیری قرار دارد که ایالات متحده می‌خواهد. اقتصاد ایران در حال فروپاشی است. ارز آن به تازگی با نرخ ۲.۵ میلیون ریال به ازای هر دلار معامله شده است، افتی چشمگیر نسبت به سال ۲۰۲۴. نرخ تورم ایران نیز اخیرا تقریبا به ۹۰ درصد رسیده و تورم مواد غذایی تقریبا ۱۳۰ درصد است. علاوه بر این، ذخایر نفتی شناور ایران اکنون تخلیه شده و فروش نفتی در کار نیست؛ این امر فشار بر اقتصاد ایران را بیشتر می‌کند. باید به عملیات طرد اقتصادی، زمان بیشتری داد تا پس از حصول نتایجش، متغیر نظامی را وارد ماجرا کرد.

همانطور که مشاهده شد، اندیشکده‌های دشمن، سناریوی آمریکا را افشا کرده‌اند و اگر این قبیل افشاگری‌ها نیز نبود، کاملا نیت دولت ترامپ در قبال ایران، قابل پیش‌بینی بود. بر همین اساس باید نقشه دشمن را تخریب کنیم و بازی را به هم بزنیم؛ راه این کار عملیات پیش‌دستانه علیه مواضع و منافع مادی و غیرمادی دشمن است.

سیستم فرودگاهی آمریکا فلج شد
هالوین در آسمان آمریکا

اداره هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) روز جمعه در پی بروز مشکلات ارتباطی، تمامی پروازهای خروجی در سراسر این کشور را متوقف کرد؛ اقدامی که موجب سرگردانی ده‌ها هزار مسافر در فرودگاه‌ها شد. مارک وین مولین، وزیر امنیت داخلی ایالات متحده، در روز جمعه و پس از بروز مشکلات ارتباطی، گفت که این تعلیق اقدامی احتیاطی بوده است و هشدار داد که لغو آن ممکن است مدتی طول بکشد. این سخنان ترس را بر مردم آمریکا غالب کرد.

در پی اختلال گسترده در شبکه هوانوردی آمریکا و توقف سراسری پروازها، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، ادعا کرد توقف سراسری پروازها در روز جمعه ظاهرا ناشی از حمله سایبری یا هوش مصنوعی نبوده است. خبرنگار ارشد شبکه فاکس نیوز در کاخ سفید جمعه شب به وقت محلی گفت که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، اعلام کرده است که به نظر نمی‌رسد توقف سراسری پروازها در روز جمعه ناشی از حمله سایبری یا هوش مصنوعی باشد.

فاکس نیوز گفت که ترامپ گفته است بحران خطوط هوایی ممکن است نتیجه اتکا به سیستمی باشد که دارای بخش‌های قدیمی و از کارافتاده است. این رسانه آمریکایی به نقل از ترامپ تصریح کرد: به نظر می‌رسد این اختلال ناشی از مجموعه‌ای از تجهیزات قدیمی و خراب باشد که اداره هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) برای تداوم فعالیت حمل‌ونقل هوایی به آنها متکی است. پس از انتشار این سخنان ترامپ در جمعه شب به وقت آمریکا، اداره هوانوردی فدرال آمریکا اعلام کرد که دستور توقف پروازها از سوی مرکز فرماندهی این اداره همچنان به قوت خود باقی است. اداره هوانوردی فدرال آمریکا اعلام کرد که با برطرف شدن تدریجی اختلال در مراکز کنترل ترافیک هوایی مسیرهای پروازی، هواپیماها با هماهنگی مرکز فرماندهی سامانه کنترل ترافیک هوایی اجازه پرواز خواهند یافت. مایکروسافت نیز اعلام کرد که هیچ نشانه‌ای مبنی بر ارتباط توقف سراسری پروازها به دستور اداره هوانوردی فدرال آمریکا با خدمات این شرکت وجود ندارد.

سایه وحشت در سرزمین گاوچران‌ها

مارک وین مولین، وزیر امنیت داخلی آمریکا، جمعه شب به وقت محلی، در گفت‌وگو با فاکس نیوز درباره توقف سراسری پروازها در تمام فرودگاه‌های آمریکا در پی بروز اختلال ارتباطی در تمامی مراکز کنترل ترافیک هوایی مسیرهای پروازی توضیح داد. او مدعی شد: همه در امنیت هستند. اگر عزیزانتان با هواپیما سفر می‌کنند، هیچ دلیلی برای نگرانی درباره آنها وجود ندارد. وزیر امنیت داخلی آمریکا اضافه کرد: دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در جریان دستور توقف سراسری پروازها از سوی اداره هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) قرار گرفته است. وی اختلال در ارتباطات مخابراتی را عامل این توقف عنوان کرد و در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است خطایی مرتبط با هوش مصنوعی عامل این اختلال بوده باشد؟ گفت که بازرسان هیچ احتمالی را رد نمی‌کنند. او گفت: متوجه خواهیم شد چه اتفاقی افتاده است و پس از آن، اقدامات لازم را انجام خواهیم داد تا اطمینان حاصل کنیم چنین اتفاقی دوباره رخ ندهد.

شبکه سی‌ان‌ان روز جمعه در گزارش خود از اختلال گسترده در شبکه هوانوردی آمریکا اعلام کرد که شرکت‌های بزرگ هواپیمایی این کشور ممکن است فعالیت خود را به مدت غیرمعقولی متوقف کنند. این شبکه به نقل از یک منبع آگاه در صنعت هواپیمایی آمریکا اعلام کرد که اختلال از تجهیزات مسیریابی شبکه یعنی روترها آغاز شده و به‌صورت زنجیره‌ای به سامانه‌های ارتباطی سراسر کشور گسترش یافته است. در همین حال، یک مقام ارشد امنیتی آمریکا به سی‌ان‌ان گفت که بررسی‌های مشترک نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، از جمله اف‌بی‌آی، وزارت امنیت داخلی و آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA)، تاکنون هیچ نشانه‌ای از حمله عمدی شناسایی نکرده است. با این حال، متخصصان امنیت سایبری همچنان در حال بررسی شبکه‌ها برای یافتن منشأ احتمالی اختلال هستند.

این اختلال علاوه بر زمینگیر کردن هزاران پرواز و سرگردانی صدها هزار مسافر در فرودگاه‌های آمریکا، برنامه سفر شماری از تیم‌های ورزشی را نیز تحت تاثیر قرار داد و احتمال اختلال در مسابقات ورزشی روز شنبه را افزایش داد. فرودگاه‌های جان اف کندی و لاگواردیا در نیویورک نیز از مسافران خواستند پیش از حرکت به سمت فرودگاه، وضعیت پرواز خود را از شرکت‌های هواپیمایی بررسی کنند.

پایگاه ردیابی پرواز فلایت اویر نیز اعلام کرد: بیش از ۱۰ هزار پرواز در روز جمعه در داخل ایالات متحده، به مقصد فرودگاه‌های این کشور یا در حال خروج از آنها با تاخیر مواجه شدند و چهار هزار و ۲۳۷ پرواز داخلی در ایالات متحده، یا پروازهای به مقصد و مبدا فرودگاه‌های این کشور لغو شدند. شبکه بلومبرگ نیز در این زمینه گزارش داد که اف‌بی‌آی معتقد نیست اختلال ارتباطی در سامانه‌های کنترل ترافیک هوایی آمریکا ناشی از حمله سایبری یا فعالیت مجرمانه بوده باشد. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از فلایت اویر نوشت: روز جمعه نزدیک به پنج هزار پرواز داخلی در ایالات متحده تا ساعت هشت شب به وقت ساحل شرقی آمریکا لغو شد.

دنیا، آسمان آمریکا را تحریم کرد

پس از اختلال در سیستم ارتباطی برج‌های مراقبت فرودگاه‌های آمریکا، سازمان مدیریت ترافیک هوایی اروپا موسوم به یوروکنترل، اعلام کرد که تمامی پروازها از اروپا به ایالات متحده به حالت تعلیق درآمده‌اند. سازمان مدیریت ترافیک هوایی اروپا (یوروکنترل) اعلام کرد تعلیق پروازهای اروپا به آمریکا به دنبال بروز مشکلات فنی در سیستم کنترل ترافیک هوایی آمریکا صورت گرفت. سخنگوی یوروکنترل اعلام کرد که مشخص نیست پروازها به مقصد ایالات متحده چه زمانی می‌توانند از سر گرفته شوند.

نیویورک تایمز نیز به نقل از سازمان هوانوردی فدرال مکزیک گزارش داد این نهاد از همتای آمریکایی خود درخواستی دریافت کرده که مانع پرواز هواپیماها به مقصد آمریکا شود. شرکت هواپیمایی کانادا نیز اعلام کرد همه پروازهای خود میان کانادا و آمریکا را تا شامگاه جمعه لغو کرد. مقامات آمریکایی همچنین اعلام کردند که به دلیل شرایط استثنایی، پروازها به اراضی اشغالی تا اطلاع بعدی به حالت تعلیق درآمده‌اند.



مسئولان شرکت ایراسپیس اینتلیجنس نیز که در زمینه توسعه هوش مصنوعی با سازمان هوانوردی فدرال آمریکا همکاری دارد، تأکید کردند نرم‌افزارهای این شرکت عامل توقف پروازها نبوده است. شرکت هواپیمایی معروف جت‌بلو نیز روز جمعه از لغو تمامی پروازهای خود خبر داد. سرانجام اداره هوانوردی فدرال آمریکا جمعه شب در پی پنج ساعت اختلال سراسری در تمامی پروازهای این کشور اعلام کرد که پس از لغو دستور توقف سراسری پروازها، هواپیماها می‌توانند مجددا اجازه برخاستن داشته باشند اما با وجود لغو این دستور، شرکت‌های هواپیمایی نتوانستند بلافاصله به فعالیت عادی بازگردند؛ زیرا شمار زیادی از هواپیماها و خدمه پروازی آنها در موقعیت مکانی مناسب قرار نداشتند. مقامات دولت ترامپ علت این توقف را فشار بیش از حد بر سیستم‌های فرسوده و قدیمی عنوان کردند اما این توجیه، برای آمریکایی‌ها قابل قبول نبود و لغو و تاخیرهای گسترده پروازها در فرودگاه‌ها، موجی از آشفتگی و نارضایتی شدید را در میان مسافران آمریکایی ایجاد کرده است.

اعتراضات به بلژیک و ایتالیا رسید
اروپا همچنان ناآرام

در حالی که اروپا در هفته‌های گذشته به دلیل اعتراضات گسترده دانشجویان فرانسوی روزهای پرتلاطمی را سپری کرد، دانشجویان در بلژیک نیز به دلیل افزایش شهریه دانشگاه‌ها و کاهش بودجه آموزشی و جوانان ایتالیایی با مطالبه مسکن مقرون به صرفه، آموزش بهتر و آینده مطمئن‌تر دست به اعتراض زدند.

تارنمای اروپایی بروکسل تایمز گزارش داد: دانشجویان در دانشگاه آزاد بلژیک (ULB) در بروکسل، اعتراضات خود را در برنامه‌ای با عنوان «بودجه‌تان را انتخاب کنید» برگزار کردند. دانشجویان روز جمعه در این برنامه، دو گزینه را در برابر یکدیگر قرار دادند: نظام آموزشی نخبه‌گرا در برابر آموزش رایگان و باکیفیت.

به نوشته بروکسل تایمز، روی یکی از ورودی‌های دانشگاه بنری با عنوان «آموزش نخبه‌گرا + جنگ» نصب شده بود که به گفته برگزارکنندگان، این شعار بازتاب‌دهنده اولویت‌های بودجه‌ای ائتلاف دو حزب سیاسی در بلژیک است. ورودی دیگر دانشگاه با نوشته‌ای قرمزرنگ بر زمینه‌ای سفید که خواستار «آموزش رایگان و باکیفیت» بود، پوشانده شده بود.

افزایش حدود ۴۳ درصدی شهریه سالانه دانشگاه‌ها از مهم‌ترین محورهای اعتراض دانشجویان در بلژیک بود که بر اساس آمار فدراسیون دانشجویان بروکسل، این افزایش شهریه ۵۸ درصد از دانشجویان مراکز آموزش عالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. دانشجویان بلژیکی با افزایش شهریه دانشگاه‌ها در سال جاری از ۸۳۵ یورو به هزار و ۱۹۴ یورو مخالف هستند.

دانشجویان همچنین به اصلاحات مربوط به مصوبه‌ای دیگر ناظر بر کاهش هزینه‌های بخش آموزش اعتراض دارند. برگزارکنندگان این اعتراض دانشجویی اعلام کردند این اقدامات در شرایطی صورت می‌گیرد که دولت فدرال قصد دارد تا سال ۲۰۳۴، مبلغ ۳۴ میلیارد یورو در بخش نظامی سرمایه‌گذاری کند. دانشجویان همچنین به پایان طرح بلیت سفر جوانان شرکت حمل‌ونقل عمومی لتک (LeTEC) با قیمت ۱۲ یورو و آنچه سرکوب جنبش‌های اعتراضی می‌خوانند، اعتراض کردند.

دانشجویان از مردم خواستند در تظاهرات ۱۷ نوامبر (۲۶ آبان)، همزمان با روز جهانی دانشجویان شرکت کنند. در این تظاهرات قرار است دانشجویان و اتحادیه‌های صنفی بخش آموزش گرد هم آیند. آنها همچنین از برگزاری روز اقدام اعتراضی علیه خدمت نظامی داوطلبانه در روز جمعه (۲۰ نوامبر) حمایت کردند. این برنامه با همکاری سکوی نشر موسوم به «خدمات صلح» سازماندهی شده است. همزمان با اعتراضات در بلژیک، جوانان در ایتالیا نیز به دلیل نگرانی از آینده خود و با مطالبه آموزش بهتر و مسکن ارزان به خیابان‌ها آمدند. تارنمای دویچه‌وله گزارش داد: ایتالیا پیرترین جمعیت را در اروپا دارد؛ به این معنا که شمار اندکی از جوانان باید هزینه مستمری تعداد زیادی از بازنشستگان را تامین کنند.

دانشجویان دانشگاه ساپینز در رم پایتخت ایتالیا با برپایی چادر، نسبت به بحران مسکن، افزایش هزینه‌های زندگی و ناامنی شغلی دست به اعتراض زدند. فدریکا فریجریو، دانشجوی ۲۰ ساله ایتالیایی یکی از اعضای دانشجویان معترض و همچنین عضو هسته مرکزی است که به دانشجویانی که برای یافتن محل سکونت با مشکل مواجه هستند، کمک می‌کند. او با وجود پرداخت اجاره‌بهایی نسبتا پایین برای آپارتمانی که به‌صورت مشترک با دیگران در آن زندگی می‌کند، همچنان ناچار است برای تامین هزینه‌های زندگی در کنار تحصیل کار کند. کارشناسان می‌گویند ریشه این مشکلات در مسائل ساختاری، از جمله رکود دستمزدها، تورم و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های مسکن نهفته است. اعتراضات مشابهی به رهبری جوانان در کشورهایی مانند فرانسه و اسپانیا نیز در روزها و هفته‌های گذشته در جریان بوده است.

رسانه‌ها و سیاستمداران صهیونیست در مورد نخست‌وزیرشان چه می‌گویند
نتانیاهو حیوان زخمی است

منابع سیاسی رژیم صهیونیستی از نگرانی مخالفان بنیامین نتانیاهو درباره احتمال اقدام نظامی علیه ایران با هدف برهم زدن روند تشکیل کابینه جدید به رهبری گادی آیزنکوت خبر دادند.

بن کسپیت، خبرنگار روزنامه معاریو، به نقل از منابع سیاسی اسرائیلی نوشت که بلوک تغییر به رهبری آیزنکوت بیم دارد نتانیاهو برای جلوگیری از تشکیل کابینه جدید، به رویارویی نظامی دیگری با ایران روی آورد. این نگرانی در حالی مطرح شده است که رومن گافمن، رئیس موساد در واشنگتن به سر می‌برد و بنا بر گزارش‌ها با جان راتکلیف، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، دیدار کرده است. همچنین قرار است او با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا دیدار کند و احتمال سفرش به میامی برای گفت‌وگو با استیو ویتکاف، فرستاده کاخ سفید نیز مطرح شده است.

معاریو این تحرکات را بخشی از تلاش نتانیاهو برای متقاعد کردن دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به از سرگیری اقدام نظامی علیه ایران ارزیابی کرده است. در همین حال، منابع سیاسی اسرائیلی گفته‌اند مواضع متغیر ترامپ درباره ایران و بلاتکلیفی سیاسی در سرزمین‌های اشغالی، نگرانی‌ها درباره احتمال تشدید تنش‌ها را افزایش داده است.

بر اساس این گزارش، آیزنکوت پس از انتخابات ۲۷ اکتبر (پنج آبان) مامور تشکیل کابینه جدید شده و ۴۲ روز فرصت دارد. با این حال، مذاکرات برای تشکیل ائتلاف با دشواری‌هایی مواجه است و نتانیاهو همچنان به عنوان نخست‌وزیر موقت در روند تشکیل کابینه به رهبری آیزنکوت کارشکنی می‌کند. آیزنکوت و آویگدور لیبرمن، رئیس حزب اسرائیل خانه ما، بلافاصله پس از انتخابات درباره احتمال سوءاستفاده نتانیاهو از دوره انتقالی برای از سرگیری جنگ هشدار داده و در نامه‌هایی تاکید کرده‌اند که نتانیاهو در مقام نخست‌وزیر موقت، اختیار نامحدودی برای اتخاذ چنین تصمیم سرنوشت‌سازنظامی ندارد و باید محدودیت‌های این دوره انتقالی را رعایت کند. یک منبع در اردوگاه آیزنکوت به المانیتور گفته است که نگرانی اصلی این دو چهره آن است که نتانیاهو با ایجاد وضعیت اضطراری و تشدید تنش با ایران، مخالفان را برای پیوستن به دولت وحدت تحت فشار قرار دهد و به این ترتیب، حضور خود در قدرت را ادامه دهد. ایهود باراک، نخست‌وزیر و رئیس پیشین ستاد ارتش رژیم صهیونیستی نیز در مقاله‌ای در روزنامه‌ها آرتص هشدار داده است که نتانیاهو ممکن است با ایجاد تحریک علیه ایران، زمینه پاسخ تهران و شعله‌ور شدن جنگ را فراهم کند تا تشکیل کابینه جدید مختل شود یا به تعویق بیفتد.

این نگرانی‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل همچنین با توجه به بلاتکلیفی سیاسی و روند تشکیل کابینه جدید، با اقدام نظامی در این مقطع مخالف است. از سوی دیگر، امتناع امیر اوحانا، رئیس کنست، از تشکیل کمیته امور خارجی و دفاعی به ریاست لیبرمن، نگرانی مخالفان را درباره نبود نظارت بر تصمیم‌های نتانیاهو افزایش داده است. یک منبع ارشد در بلوک تغییر به المانیتور گفته است که در شرایط کنونی عملا نظارت موثری بر اقدامات نخست‌وزیر موقت وجود ندارد. در همین چارچوب، جک خوری، تحلیلگر روزنامه‌ها آرتص نیز در گزارشی با اشاره به تشدید تنش‌های سیاسی در سرزمین‌های اشغالی و نگرانی اپوزیسیون، به نقل از یک مقام ارشد حزب فهرست مشترک عربی، رفتار نتانیاهو را به حیوان زخمی که آماده انجام هر کاری است تشبیه کرد.



علیرضا معتمدی، کارگردان:
مردم ایران در سخت‌ترین شرایط کنار یکدیگر و کشورشان ایستاده‌اند

یکشنبه/ ۲۴ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۰

مقاومت زنانه ۱۴

پرواز آرزوها روی صندلی‌های مقاومت
دو صندلی برای یک رویا

روایت چهاردهم تصویرگر کودکان معصومی است که در تلاطم حوادث و زخم ترکش ها، بذر امید را در دل خاکسترها کاشته‌اند. امیرمحمد با پای آسیب دیده و تکیه بر دو صندلی در کلاس درس می نشیند تا مخترع شود و نهال با دستی پیوندی رویای قهرمانی در بدمینتون را در سر دارد. این روایت گواهی روشنی است بر اینکه هیچ موشکی قادر نیست بال های خیال و آرمان خواهی نسل آینده این سرزمین را زخمی کند.

با هم رفتیم طرف اتاق احیای قلبی. در شیشه‌ای را نشانم داد و گفت: «اون شب اجساد شهدا رو اینجا می‌ذاشتن.»
گفتم: «روز حادثه چه صحنه‌ای حک شده تو ذهن‌تون؟»
نگاهش روی سرامیک کف اورژانس ثابت ماند؛ انگار بین آن همه تصویر حک شده از آن شب، دنبال تصویری می گشت که هنوز دست از سرش برنداشته بود.
ـ لحظه‌ای که همکارم خانم امانی بچه بغل اومد. پای امیرمحمدش از زان آویزون بود و لق می‌زد.
صدایش شکست. اشک توی چشم هایش جمع شد. آهی کشید و ادامه داد: «پسرام مدرسه سیزده آبان درس می‌خونن؛ می‌گن یه صندلی زیر پای امیرمحمد می‌ذارن و یک صندلی زیر تنه‌اش، حالت درازکش نگاه به تابلو می‌کنه. می‌گه می‌خوام مخترع بشم.»
پسربچه‌ای که باید روی دو پا می‌دوید، حالا برای رسیدن به رویایش به دو صندلی تکیه داده، اما هنوز رویا دارد. هنوز می‌خواهد چیزی اختراع کند. انگار هیچ اتفاقی نتوانسته خیال آینده را از او بگیرد.
هنوز تصویر امیرمحمد از ذهنم کنار نرفته بود که زنی همراه دخترش کنارمان ایستاد. گوشش به حرف‌های ما بود. یکهو پرسید: «از حادثه لامرد دارین خبر جمع می‌کنین؟»
گفتم: «بله.»
ـ نهال منم با هزارتا آرزو قربونی خودخواهی بعضیا شد.
زل زدم به جثه نحیف نهال. پشت دست مادرش پناه گرفته بود. بیشتر از چشم های بادامی‌اش، خراش توی گردنش توجه‌ام را جلب کرد. نهال را کم و بیش می شناختم؛ از فیلم هایی که چند روز بعد از حادثه توی فضای مجازی دست به‌دست می‌شدند. دختری که توان راه رفتن و حرف زدن را از دست داده بود و در تمام آن فیلم، فقط چهار کلمه از دهانش بیرون آمد: «مامان، ماجون، نامه، دود...» حالا اما به کوری چشم عمودوستان، نهال راه می‌رفت و مثل بلبل حرف می‌زد. از آرزوهایش برایم گفت. می‌خواست با دستی که تکه‌ای از گوشت ران را بهش پیوند زده بودند، راکت بگیرد و قهرمان بدمینتون شود. سیزده آبان امسال، خیلی از دانش آموزان دست‌وپا نداشتند، ولی هیچ موشکی نتوانسته بود رویایشان را زخمی کند. به امیرمحمد فکر کردم، به نهال، به دست هایی که هنوز سودای ساختن دارند و پاهایی که هنوز می‌خواهند بدوند. یاد شعر قیصر امین پور افتادم؛ انگار سال‌ها پیش کسی همین روزها را دیده و سروده بود:

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم
اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم
اگر دشنه دشمنان، گردنیم!
اگر خنجر دوستان، گرده‌ایم!
گواهی بخواهید، اینک گواه:
همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم!
دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست عمری به سر برده‌ایم.

تهیه‌کننده مستند «جنگ چهره‌ای زنانه دارد» از شکل‌گیری روایتی مستند با همراهی ۲۰۰ روز حضور زنان در تجمع‌های خیابانی تهران گفت
روایت ۲۰۰ روز حضور زنان در خیابان در یک مستند

امید طهرانی، تهیه‌کننده مستند «جنگ چهره‌ای زنانه دارد» درباره موضوع و روند شکل‌گیری آن گفت: این فیلم ۴۰ دقیقه‌ای به حضور زنان در تجمعات خیابانی طی ۲۰۰ روز می‌پردازد. در این مدت، در مکان های مختلفی از جمله بهشت زهرا(س)، مساجد، خیابان ها و تجمعات و راهپیمایی روز قدس تصویربرداری کردیم. با سوژه‌ها در طول این ۲۰۰ روز گفت‌وگو داشتیم و در نهایت، روایتی ۴۰ دقیقه‌ای از این حضور در شهر تهران شکل گرفت.
او درباره تغییر مسیر پروژه از ثبت تصاویر به ساخت یک مستند روایی توضیح داد: در روزهای نخست تصمیم داشتیم صرفا فیلم‌برداری کنیم و راش‌هایی از اتفاقات داشته باشیم تا این روزها ثبت شوند. در کنار تصویربرداری، با افراد حاضر هم مصاحبه می‌کردیم؛ اما هرچه تعداد روزها بیشتر شد و به حدود شب یکصد و پنجاهم رسیدیم، تصمیم گرفتیم روایت را تا پایان ادامه دهیم. حتی وقتی در مصاحبه‌ها از افراد می‌پرسیدیم تا چه زمانی به حضورشان ادامه می‌دهند، پاسخ می‌دادند: «ته ندارد.» طهرانی درباره انتخاب زنان به عنوان محور اصلی فیلم گفت: به نظرم، حضور و نقش زنان در موقعیت‌های مختلف، از پشت جبهه‌ها تا میدان جنگ، همواره مشهود بوده است. در این مستند تلاش کردیم اثر و نمود حضور زنان را نشان دهیم. با وجود آنکه محور فیلم زنان هستند، مخاطب آن محدود به زنان نیست و تماشای آن برای زنان و مردان مناسب است. این تهیه‌کننده در بخش دیگری از صحبت‌هایش به جایگاه سینمای مستند و دشواری دسترسی به آثار این حوزه اشاره کرد و گفت: من علاقه زیادی به سینمای مستند دارم و آثار این سینما را دنبال می‌کنم؛ اما در ایران هنوز بازار مناسبی برای آن شکل نگرفته و دسترسی به آثار شاخص چندان آسان نیست. به همین دلیل، زمان برگزاری جشنواره‌ها فرصت خوبی برای تماشای فیلم‌های مستند و آشنایی با آثار تازه است.
طهرانی درباره ویژگی سینمای مستند هم گفت: ویژگی اصلی این سینما در عنوان آن نهفته است؛ ما بر اساس نگاه فیلم‌ساز با حقیقت یا واقعیتی مواجه می‌شویم و تلاش می‌کنیم خودمان را در فیلم پیدا کنیم و تجربه سوژه را در وجودمان ثبت کنیم. عوامل مستند «جنگ چهره زنانه دارد»: نویسنده و کارگردان: حسام‌الدین ابوالحسنی/ تهیه‌کننده: امید طهرانی/ تدوین و اصلاح رنگ: محمد خمر/ راوی: محمدباقر مفیدی کیا/ تصویربرداران: مهدی اخروی، علی اردو، دانیال انیسی، مهدی کریمی، امین الرضا عباسی، عرفان نیکبخت، علیرضا محب‌الطاهر
مستند «جنگ چهره‌ای زنانه دارد» متقاضی حضور در جشنواره «سینما حقیقت» است. بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» ۱۸ تا ۲۴ آذر ۱۴۰۵ با دبیری محمد حمیدی مقدم در پردیس ملت برگزار می‌شود.

واکاوی نسبت سرانه مطالعه، رفاه و آرامش ذهن
نجات با کلمات

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: جهان با شتابی سرسام‌آور در حال بلعیدن تصاویر و پرتاب واژه‌های تکه‌تکه به مغز انسان معاصر است؛ در این هیاهوی دیجیتال، ورق زدن کاغذ شاید تنها سنگر باقی مانده برای تمرکز و تفکر عمیق باشد. همزمان با هفته کتاب و کتاب خوانی، دوباره بحث‌های قدیمی سر باز می‌کنند: واقعا «کتاب خوان» کیست؟ آیا تورق چند سطر سرپایی در مترو یا خواندن کتاب آشپزی و کتاب‌های درسی مطالعه محسوب می‌شود، یا کتاب خوانی آیین دیگری دارد؟ آمارهای جهانی از نروژ آرام در شمال اسکاندیناوی تا خیابان‌های شلوغ دهلی نو، تصاویری متناقض و گاه شگفت انگیز از سرانه مطالعه پیش چشم ما می‌گذارند. در این گزارش بررسی می‌کنیم که چرا ملت‌هایی با بالاترین شاخص رفاه و شادی، کتاب را نه ابزاری برای پرزوشنفکری، بلکه نیازی حیاتی برای زیستن می‌دانند و چگونه می‌توان در دل تند باد روزمرگی، مطالعه را به نسخه شفابخش روان تبدیل کرد.

در عرف عمومی و فرهنگ عامه، تصویر یک فرد کتاب خوان با عینک پنسی، فنجان قهوه داغ و کتابخانه‌ای چوبی و سرتاسری تداعی می شود؛ تصویری رمانتیک اما غیرواقعی که بیش از آنکه شوق مطالعه بیافریند، دیواری از فاصله طبقاتی میان مردم و کتاب کشیده است. در تعاریف استاندارد بین‌المللی نظیر شاخص‌های یونسکو و نهادهای آماری معتبر جهانی، کتاب خوان فعال به کسی اطلاق می‌شود که فارغ از نیازهای حرفه‌ای، درسی، کنکوری یا آموزشی، به صورت پیوسته و با انتخاب فردی، کتاب غیردرسی اعم از ادبیات داستانی، تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی، علم عمومی یا هنر مطالعه می‌کند.
یونسکو فردی را در زمره جامعه هدف کتاب خوان قرار می‌دهد که حداقل یک کتاب در بازه زمانی مشخص (معمولا یک ماه تا یک فصل) بخواند؛ اما نکته محوری در این تعریف، انتخابی بودن و مداومت است. خواندن شرح وظایف شغلی، جزوات امتحانی، اخبار روزمره یا خواندن پست‌های کوتاه در شبکه‌های اجتماعی گرچه سوادآموزی و مصرف محتوا به شمار می‌آید، اما کتاب خوانی نیست. کتاب خوانی یک فرآیند منسجم، متمرکز و چندلایه است که مغز را به تفکر خطی، تخیل فعال و بازسازی جهان نویسنده وامی دارد. به بیان ساده، کتاب خوان کسی نیست که صرفا خطوط را با چشم دنبال می‌کند؛ کتاب خوان انسانی است که زیستن در پوست دیگری و تجربه دنیاهای متعدد را به روزمرگی ترجیح می‌دهد.

نقشه‌های شگفت‌انگیز سرانه جهان

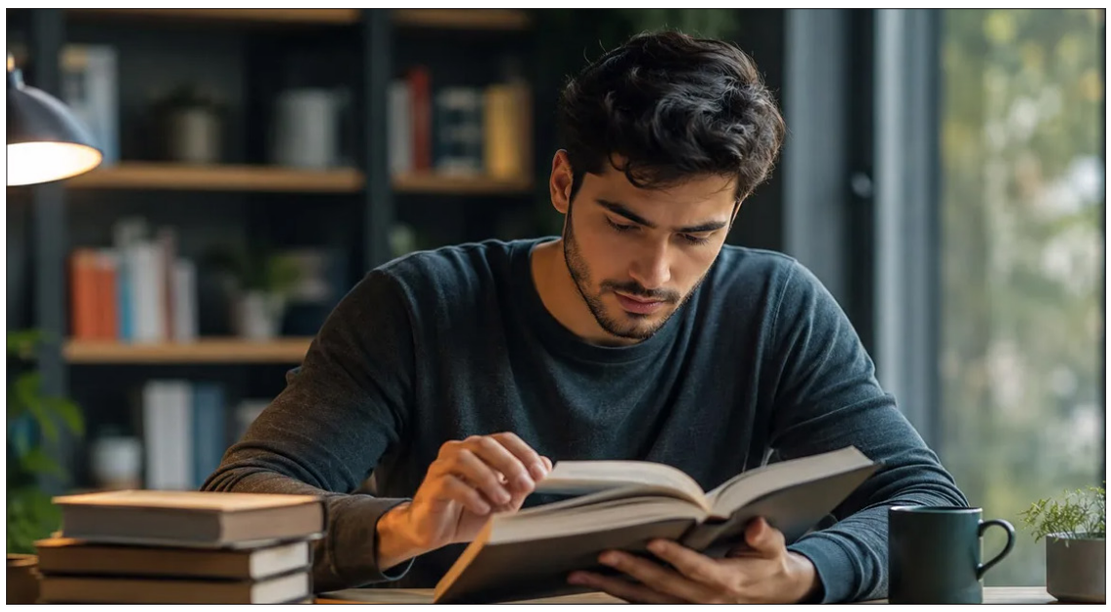
وقتی به آمارهای جهانی سرانه مطالعه نگاه می‌کنیم، اولین شگفتی پدیدار می‌شود: صدرنشینان همیشگی جدول مطالعه هفتگی لزوما مرفه‌ترین کشورهای غربی نیستند. در گزارش‌های معتبر جهانی کشور هند با ثبت آماری نزدیک به ۱۰ تا ۱۰.۵ ساعت مطالعه هفتگی برای هر فرد، در رتبه اول جهان قرار دارد. پس از آن کشورهایی چون تایلند (حدود ۹.۵ ساعت) و چین (حدود هشت ساعت) در رتبه‌های بعدی دیده می‌شوند.
این داده‌ها دروهله اول شاید باور عمومی را به چالش بکشد؛ چرا کشوری مانند هند باید چنین سرانه‌ای داشته باشد؟ پاسخ در فرهنگ کهن پیوند با متون مکتوب، عطش نسلی برای رشد و ارتقای طبقاتی از مسیر دانش و سنت‌های شفاهی و مکتوب بازتولیدشده نهفته است. در سوی دیگر طیف، کشورهای غربی قرار دارند؛ در ایالات متحده و بریتانیا میانگین زمان روزانه مطالعه کتاب‌های غیردرسی چیزی حدود ۱۵ تا ۳۰ دقیقه در روز برآورد می‌شود، اگرچه صنعت نشر آنها به واسطه کتاب‌های صوتی و دیجیتال، بازاری به‌شدت پویا و درگردش مالی بی‌رقیب دارد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد سرانه مطالعه تنها به دقایق خلاصه نمی‌شود، بلکه عمق خواندن نیز نقشی اساسی در تعریف وزن فرهنگی هر جامعه بازی می‌کند.

چرا نروژکتاب‌ها را می‌بلعد؟

برای فهم رابطه رفاه اجتماعی، ساختار حکمرانی فرهنگی و کتاب خوانی، هیچ مقصدی شفاف‌تر از نروژ نیست. نروژ یکی از مرفه‌ترین، آرام‌ترین و شادترین کشورهای جهان است؛ اما این رفاه خودبه‌خود مردم را به سمت لمیدن مقابل تلویزیون سوق نداده است. آمارهای رسمی پیمایش کتاب نروژ نشان می‌دهد بیش از ۸۵ درصد مردم این کشور در طول سال دست‌کم یک کتاب می‌خوانند؛ در این میان، بخش عمده‌ای از آنها اهل مطالعه مداوم‌اند، به طوری که میانگین مطالعه در میان افراد کتاب‌خوان نروژ به حدود ۱۰ تا ۱۲ جلد کتاب در سال می‌رسد.
راز این اشتیاق در چند ستون بنیادین پنهان است:
۱. کتابخانه‌های زنده و فراگیر: کتابخانه‌های عمومی در نروژ موزه‌های متروکه نیستند؛ آنها مراکز اجتماعی مدرن، گرم و پیونددهنده محلات‌اند. از پایتخت تا دورافتاده‌ترین فیوردهای شمالی، کتابخانه‌ها آخرین عناوین روز را به رایگان و در دسترس کامل عرضه می‌کنند.
۲. حمایت ساختاری از ادبیات ملی: شورای هنر نروژ سیاستی منحصربه‌فرد دارد؛ خرید تضمینی نسخه‌هایی از کتاب‌های ادبی و باکیفیت جدید برای تجهیز تمام کتابخانه‌های سراسر کشور. این سیاست تضمین می‌کند نویسنده و ناشر نگران بقای اقتصادی اثر نباشند و خوراک فرهنگی باکیفیت بی‌وقفه تولید شود.
۳. فرهنگ «هوگه» و درپناه کلمات زیستن: در شب‌های طولانی و یخبندان زمستان قطبی، نروژی‌ها سنت هم‌نشینی با شمع، پتوی گرم و کتاب کاغذی را به مثابه پناهگاهی روانی برگزیده‌اند. کتاب در نروژ نماد آسایش خاطر و مراقبت از روان در برابر افسردگی زمستانی است. در مقابل، در جوامعی که درگیر تورم مزمن، دغدغه معیشت و ناامنی‌های اقتصادی هستند، کتاب اولین کالایی است که از سبد مصرف خانوار حذف می‌شود. تجربه نروژ اثبات می‌کند که هرگاه دغدغه‌های اولیه زیستی مهار شود و ساختار اجتماعی دسترسی عادلانه به کلمات را فراهم کند، کتاب خواندن از فعالیتی نخبگانی به یک زیست روزمره عمومی ارتقا می‌یابد.

معجزه در عصر دوپامین‌های ارزان

امروز ما در جهانی زیست می‌کنیم که مغز انسان تحت بمباران ریزپیام‌ها، ویدیوهای چندثانیه‌ای و تیترهای هیجانی فضای مجازی است. علم عصب‌شناسی ثابت کرده این شیوه از دریافت اطلاعات، مدارپاداش مغز را فرسوده کرده و دامنه تمرکز انسان را به چند ثانیه تقلیل داده است.
کتاب دقیقا پادزهر این مسمومیت دیجیتال است. پژوهش‌های متعدد روان‌شناسی شناختی نشان می‌دهد تنها ۶ دقیقه غرق شدن در متن یک کتاب می‌تواند سطح هورمون استرس را تا ۶۸ درصد کاهش دهد؛ رقمی موثرتر از گوش دادن به موسیقی، پیاده‌روی یا نوشیدن چای گرم. کتاب‌خوانی عضلات مغز را برای تاب‌آوری، همدلی اجتماعی و پردازش پیچیدگی‌های عاطفی تقویت می‌کند. ملت یا فردی که کتاب می‌خواند، در برابر ابتذال روزمرگی و فریب روایت‌های سطحی ایمن می‌شود؛ زیرا او آموخته است که واقعیت، تک‌بعدی نیست و هر پدیده‌ای روایتی عمیق‌تر دارد.





نسخه‌ای کاربردی برای آشتی با ورق‌ها و احیای آرامش روان

بزرگ‌ترین مانع کتاب‌خوان شدن، تصوری ایده‌آل‌گرایانه و سنگین است؛ اینکه گمان می‌کنیم باید حتما روزی دو ساعت وقت آزاد داشته باشیم. برای تبدیل کتاب به عادت روزمره و بالا رفتن سرانه مصرف و ارتقای حال خوب فردی، می‌شود این چهار راهکار عملی را در پیش گرفت:
۱. تکنیک میکرومطالعه (قانون روزی ۱۰ صفحه): اگر از امروز تصمیم بگیرید هر روز فقط ۱۰ صفحه کتاب بخوانید (که بیش از ۱۵ دقیقه وقت نخواهد گرفت) در پایان ماه یک جلد کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای و در پایان سال ۱۲ کتاب ارزشمند را تمام کرده‌اید. برای شروع، هرگز به قله نگاه نکنید؛ گام‌های کوچک، مدارهای عصبی عادت را بدون مقاومت مغز فعال می‌کنند.
۲. هم‌نشینی کتاب با عادت‌های تثبیت‌شده: کتاب خواندن را به کارهای روزمره گره بزنید؛ خواندن سه صفحه بلافاصله پس از اولین چای صبح، تورق یک فصل در اتوبوس یا مترو، یا باز کردن کتاب درست قبل از خاموش کردن چراغ خواب به جای وارسی صفحات شبکه‌های اجتماعی. جایگزینی صفحه گوشی با کاغذ پیش از خواب، چرخه خواب عمیق را به طرزی باورنکردنی احیا می‌کند.
۳. بهره‌گیری هوشمند از کتاب صوتی در ساعت‌های مرده: زمان‌های تلف‌شده در ترافیک، پیاده‌روی، شستن ظروف یا انجام کارهای خانگی، بهترین بستر برای شنیدن کتاب‌های صوتی است. ادبیات شنیداری همان مدار تخیل و یادگیری را در مغز روشن می‌کند و می‌تواند سرانه مطالعه شخصی را به طرز چشمگیری بالا ببرد، بدون آنکه خللی در مشغله‌های روزانه ایجاد کند.
۴. رهایی از عذاب وجدان کتاب‌های ناتمام و حق رها کردن: اگر کتابی پس از خواندن ۳۰ تا ۴۰ صفحه نتوانست شما را با خود همراه کند، بی‌رحمانه و بدون احساس گناه آن را کنار بگذارید و سراغ کتاب بعدی بروید. مطالعه یک مجازات اخلاقی نیست؛ یک داد و ستد لذت‌بخش ذهنی است. ژانری را انتخاب کنید که واقعا به آن اشتیاق دارید؛ از رمان‌های پلیسی و زندگینامه‌ها گرفته تا ناداستان‌های جذاب. با حذف فشار کمال‌گرایی، کتاب دوباره به منبع حال خوب و پناهگاهی امن برای تسکین ذهن خسته تبدیل خواهد شد.

فراخوان دومین جشنواره عکس «خیر ایران» منتشر شد
فرصتی برای روایت تصویری نیکوکاری در جامعه ایرانی

دومین جشنواره عکس «خیر ایران» با هدف به تصویر کشیدن وجوه مثبت، سازنده و انسانی جامعه، از عکاسان، هنرمندان و علاقه‌مندان به عکاسی برای شرکت در این رویداد دعوت کرده است.
بر اساس این فراخوان، محور اصلی جشنواره، نمایش جلوه‌های خیرخواهی، دیگردوستی، مهربانی، دستگیری، مراقبت، کمک‌رسانی، نجات، خدمت‌رسانی و بازسازی است. همچنین موضوعاتی همچون وقف، اهدای عضو، حفاظت از محیط‌زیست و حیات‌وحش، مدیریت بحران آب، فعالیت‌های امدادی و داوطلبانه، اردوهای جهادی، کارآفرینی اجتماعی، مدرسه‌سازی و توانمندسازی گروه‌های خاص اجتماعی (کودکان کار، زنان سرپرست خانوار، افراد دارای معلولیت، بیماران، سالمندان) و... در شمار موضوعات مورد پذیرش این رویداد قرار دارند.
در نگاه برگزارکنندگان، نیکوکاری صرفا به کمک مالی محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه تلاش برای همدلی، همراهی و بهبود زندگی دیگران را دربر می‌گیرد؛ از این‌رو جشنواره درپی شناسایی و انتشار تصاویری است که کنش‌های موثر و معنادار انسانی را در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره و شرایط دشوار اجتماعی روایت کنند. این جشنواره در دو بخش «تک عکس» و «مجموعه عکس» برگزار می‌شود. در بخش تک عکس، صرفا آثار مستند مبتنی بر عینیت‌گرایی و واقع‌گرایی پذیرفته می‌شوند. در بخش مجموعه عکس نیز عکاسان می‌توانند یک پروژه تمام‌شده یا نیمه‌تمام را در قالب پنج تا ۱۰ عکس، همراه با استیتمنت یا پروپوزال ارائه کنند.
بر اساس ضوابط اعلام‌شده، از میان پروژه‌های ارسالی بخش مجموعه‌عکس، ۱۰ پروژه برای بهره‌مندی از فرصت آموزشی و حمایتی سه ماهه گرنت عکاسی انتخاب خواهند شد و پس از طی مراحل هدایت و حمایت، آثار نهایی مورد داوری قرار می‌گیرند.
ریاست این جشنواره را مهدی توسلی و دبیری آن را حسن غفاری بر عهده دارند. استادان راهنما در شورای گرنت جشنواره نیز به ترتیب؛ عباس میرهاشمی، فرهاد سلیمانی، مجید ناگهی، داریوش محمدخانی و فاطمه بهبودی و مشاوران نیکوکاری گروه داوران نیز مهدی صادقی و سارا شاهرخی هستند.
در بخش جوایز، به سه اثر برگزیده بخش تک عکس، بدون رتبه‌بندی، هرکدام ۴۰ میلیون تومان جایزه نقدی به همراه تندیس جشنواره و لوح افتخار اهدا می‌شود. همچنین اثر منتخب بخش مجموعه‌عکس، ۸۰ میلیون تومان جایزه نقدی، تندیس و لوح افتخار دریافت خواهد کرد. در بخش منتخب جامعه نیکوکاری نیز سه اثر بدون رتبه‌بندی، هرکدام به مبلغ ۱۰ میلیون تومان، مورد تقدیر قرار می‌گیرند.
براساس تقویم اعلام‌شده، آخرین مهلت ارسال آثار اولیه بخش مجموعه‌عکس ۳۰ آذر ۱۴۰۵ و مهلت ارسال آثار تک‌عکس و آثار نهایی ۱۰ مجموعه منتخب، ۲۰ فروردین ۱۴۰۶ تعیین شده است. نمایشگاه آثار، مراسم اهدای جوایز و معرفی برگزیدگان نیز در اردیبهشت ۱۴۰۶ برگزار خواهد شد. شرکت در جشنواره برای تمامی عکاسان و علاقه‌مندان آزاد است و آثار باید از سال ۱۴۰۰ به بعد در محدوده جغرافیایی ایران ثبت شده باشند.
هنرمندان و علاقه‌مندان به شرکت می‌توانند برای اطلاع از شرایط و مقررات ثبت‌نام و بارگذاری آثار به پایگاه اینترنتی جشنواره به نشانی festival.kheir.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است برخی از مهم‌ترین شرایط و مقررات این جشنواره بدین شرح است:



۱. ارسال اثر در هر دو بخش برای شرکت‌کنندگان آزاد است. از ارسال تک عکس‌های مجموعه برای بخش تک عکس خودداری فرمایید.
۲. شرکت‌کنندگان مجاز به ارسال فقط یک مجموعه عکس شامل پنج تا ۱۰ عکس از پروژه‌های تمام شده یا نیمه تمام هستند. ارسال بیانیه هنرمند (استیتمنت) یا پروپزال به همراه اثر الزامی است.
۳. منتخبین در بخش مجموعه به مدت سه ماه از فرصت آموزشی گرنت عکاسی برای تکمیل پروژه راه‌یافته بهره‌مند می‌شوند.
۴. ثبت نام، درج عنوان، زمان و مکان عکس برداری برای هر دو بخش در سایت جشنواره به نشانی festival.kheir.ir الزامی است.
۵. حداکثر تعداد آثار ارسالی برای تک عکس هفت اثر می‌باشد.
۶. بارگذاری هر عکس با حجم یک مگابایت در سایت جشنواره قابل انجام است. در صورت راهیابی آثار به جشنواره و درخواست دبیرخانه بایستی فایل اصلی اثر به دبیرخانه ارسال شود.
۷. عکس‌های ارسالی می‌تواند با دوربین عکاسی یا تلفن همراه باشد. لازم است فایل اصلی دارای کیفیت مناسب برای چاپ، یعنی در اندازه حداقل ۷۰/۵۰ (حداقل ۲۰۰۰ در ۳۰۰۰ پیکسل) باشد.
یادآور می‌شود، آئین افتتاحیه دومین جشنواره ملی عکس «خیر ایران» با محوریت نیکوکاری در جامعه ایرانی، همزمان با رونمایی از پوستر این جشنواره و با حضور جمعی از خیرین، عکاسان و فعالان فرهنگی در شهر یزد برگزار شد.
دومین جشنواره عکس «خیر ایران» به همت موسسه مردم‌نهاد خیر ایران برگزار می‌شود و مخاطبان می‌توانند از طریق اینستاگرام Festival.kheir و تماس: ۰۹۹۱۲۰۵۴۹۳۱ با دبیرخانه در ارتباط باشند.
دبیرخانه جشنواره به نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، کوچه اردهال، پلاک ۶، واحد ۲، موسسه مردم‌نهاد خیر ایران واقع شده است.



محمد حاجی‌میرزایی، مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای:

استریمرها باید به صنعت بازی‌های ویدیویی متصل شوند

یکشنبه/ ۲۴ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۰

گزارش جدید بنیاد بازی‌های رایانه‌ای تصویری تازه‌ای از رفتار مصرفی و الگوی هزینه کرد گیمرهای ایرانی ترسیم کرد

بازار ۷۰ هزار میلیاردی بازی‌های دیجیتال



یک تناقض در دل بازار بازی‌های دیجیتال ایران دیده می‌شود؛ تقریبا همه بازیکنان با تلفن همراه بازی می‌کنند، اما سهم بازی‌های موبایلی از پولی که در این بازار جابه‌جا می‌شود، بسیار کمتر از سهم آنها در میان کاربران است. گزارش «بازی خیزهای ۱۴۰۲» می‌گوید ۹۴.۵ درصد بازیکنان از موبایل استفاده می‌کنند، ولی نرم‌افزارهای موبایلی فقط هفت درصد از هزینه بازار را به خود اختصاص می‌دهند. در سوی دیگر، سخت‌افزار، سهمی ۶۵ درصدی دارد و خرید کنسول به تنهایی ۴۲ درصد از کل بازار را تشکیل می‌دهد. این فاصله میان «کجا بازی می‌کنیم» و «برای چه چیزی پول می‌دهیم»، شاید مهم‌ترین سرنخ برای فهم اقتصاد بازی در ایران باشد.

این گزارش که از سوی مرکز تحقیقات بازی‌های دیجیتال تدوین شده، مصرف بازی را در پنج استان تهران، خراسان رضوی، فارس، خوزستان و اصفهان مقایسه می‌کند. داده‌های آن از پیمایشی می‌آید که در ابتدای سال ۱۴۰۳ انجام شده، اما پرسش‌ها درباره رفتار مصرفی مردم در سال ۱۴۰۲ بوده است. در پیمایش با ۶ هزار و ۵۲۱ خانوار، شامل ۲۰ هزار و ۹۵۱ نفر، تماس گرفته شد و اطلاعات تفصیلی سه هزار و ۴۲ بازیکن مبنای گزارش قرار گرفت. پس اعداد این گزارش تصویری از رفتار مصرف‌کنندگان در سال ۱۴۰۲ هستند، نه آینه‌ای بی‌واسطه از بازار امروز.

بازی سرگرمی حاشیه‌ای نیست

برای فهم دامنه این بازار، ابتدا باید دانست گزارش چه کسی را «بازیکن» به حساب آورده است؛ فردی که در طول یک هفته بیش از یک ساعت با یکی از پلتفرم‌های موبایل، رایانه یا کنسول بازی کند. با این تعریف، بازی دیگر سرگرمی گروهی محدود یا فعالیتی مخصوص نوجوانان نیست. میانگین سن بازیکنان ۲۹.۳ سال است؛ یعنی بخش بزرگی از مخاطبان این سرگرمی در سنین جوانی و بزرگسالی قرار دارند و احتمالا بازی را در کنار کار، تحصیل و دیگر مسئولیت‌های روزمره تجربه می‌کنند. در ترکیب جنسیتی بازیکنان نیز مردان اکثریت دارند، اما سهم زنان کم اهمیت نیست. به‌طور متوسط ۶۱.۷ درصد بازیکنان مرد و ۳۸.۳ درصد زن هستند. این نسبت در استان‌ها کمی تغییر می‌کند؛ برای نمونه سهم زنان در خوزستان به ۴۰.۶ درصد می‌رسد و در فارس ۳۴.۵ درصد است. چنین تفاوتی به‌تنهایی دلیل اجتماعی یا فرهنگی مشخصی را ثابت نمی‌کند، اما نشان می‌دهد تصویر «بازیکن» را نمی‌توان فقط با تصور رایج از مخاطب مرد و نوجوان توضیح داد.

پنج استان، پنج الگوی یکسان نبودند

مقایسه استان‌ها یکی از بخش‌های خواندنی گزارش است؛ نه برای آنکه از دل آنها رتبه‌بندی قطعی بسازیم، بلکه برای دیدن اینکه یک سرگرمی فراگیر چگونه در مناطق مختلف شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. از نظر تعداد بازیکنان، تهران با برآورد ۵.۳۷ میلیون نفر فاصله زیادی با دیگر استان‌های بررسی شده دارد و خراسان رضوی با ۲.۸۸ میلیون نفر پس از آن قرار می‌گیرد. اما وقتی نسبت بازیکنان به جمعیت استان سنجیده می‌شود، تصویر تغییر می‌کند؛ خراسان رضوی با ۴۱ درصد در صدر است و تهران با ۳۷.۶ درصد پس از آن قرار دارد. بنابراین بزرگی جمعیت تهران، به‌تنهایی به معنای بالاترین میزان نفوذ بازی در میان ساکنان نیست.

در سوی دیگر این مقایسه، سهم بازیکنان از جمعیت اصفهان ۲۸.۶ درصد، خوزستان ۳۱.۸ درصد و فارس ۳۲.۸ درصد اعلام شده است. این ارقام پرسشی مهم پیش می‌کشند؛ چه چیزهایی دسترسی و میل به بازی را در استان‌ها متفاوت می‌کند؟ درآمد خانوار، ترکیب سنی جمعیت، دسترسی به اینترنت و تجهیزات، فرصت‌های تفریحی یا حتی تفاوت در شیوه گذران اوقات فراغت می‌توانند موضوع بررسی باشند؛ اما خود پیمایش رابطه عِلّی میان این عوامل و میزان بازی را اثبات نمی‌کند. اینجا نقطه شروع پرسش است، نه پاسخ نهایی آن.

موبایل؛ دروازه ورود، نه مقصد هزینه

فراگیری موبایل روشن‌ترین ویژگی مصرف بازی در این داده‌هاست. به‌طور متوسط ۹۴.۵ درصد بازیکنان با تلفن همراه بازی می‌کنند؛ در مقابل، ۳۲.۸ درصد از کنسول و ۱۹.۵ درصد از رایانه استفاده دارند. این درصدها را نباید با هم جمع کرد، چون یک نفر ممکن است همزمان روی چند پلتفرم بازی کند. در واقع، بخشی از بازار با بازیکنانی روبه‌روست که میان موبایل، رایانه و کنسول جابه‌جا می‌شوند؛ در حالی که گروهی دیگر بیشتر به یک پلتفرم وفادار می‌مانند.

تهران در استفاده از کنسول جلوتر از دیگر استان‌هاست و ۴۰.۹ درصد بازیکنان آن کنسول بازند. این استان همچنین بیشترین سهم بازیکنان چندپلتفرمی را دارد؛ نشانه‌ای از تنوع بیشتر ابزارهای بازی در میان بازیکنان تهرانی. در مقابل، اصفهان تک‌پلتفرمی‌ترین الگو را نشان می‌دهد. با این همه، گزارش نمی‌گوید که این تفاوت دقیقا از قدرت خرید، زیرساخت یا ترجیح شخصی ناشی شده است. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای باید داده‌های اقتصادی و مصاحبه با بازیکنان و فعالان بازار را کنار آمار پیمایش گذاشت.

ترکیب بازی‌های محبوب هم نکته‌ای قابل توجه دارد. «فوتبال» در هر پنج استان در صدر عنوان‌های پرطرفدار قرار گرفته است. در کنار آن، نام‌هایی مانند کال‌آف‌دیوتی و آمیرزا در فهرست بازی‌های محبوب دیده می‌شوند. آمیرزا تنها عنوان ایرانی در میان بازی‌های صدرنشین این فهرست است. گزارش همچنین می‌گوید به طور متوسط ۵۶.۷ درصد بازیکنان بازی موبایلی ایرانی انجام می‌دهند؛ این سهم در خوزستان ۶۶.۲ درصد و در تهران ۵۰.۴ درصد است. این عدد از ظرفیت مخاطب برای بازی ایرانی خبر می‌دهد، اما لزوما به معنای خرید یا درآمدزایی متناسب برای سازندگان داخلی نیست.

زمان بازی؛ تفاوت‌ها فقط در دستگاه نیست

میانگین زمان بازی روزانه در گزارش ۸۳ دقیقه اعلام شده است؛ اما این عدد پشت خود تفاوت‌هایی دارد. مردان به‌طور متوسط ۹۸ دقیقه و زنان ۵۸ دقیقه در روز بازی می‌کنند. از نظر استانی نیز تهران با ۹۰ دقیقه و خوزستان با ۸۹ دقیقه در بالاترین سطح قرار دارند؛ در حالی که میانگین خراسان رضوی ۶۶ دقیقه و فارس ۶۷ دقیقه است. این اختلاف‌ها نشان می‌دهد شمار بازیکنان به‌تنهایی همه ماجرا نیست؛ مدت زمانی که افراد به بازی اختصاص می‌دهند نیز برای شناخت بازار و مخاطب اهمیت دارد.

گزارش از شکل‌های دیگری از مشارکت هم سرنخ می‌دهد. ۵۷.۶ درصد بازیکنان به صورت آنلاین بازی می‌کنند و ۴۱.۴ درصد به تماشای بازی دیگران تمایل دارند. البته تماشای بازی هنوز عمدتا تجربه‌ای حضوری و خانگی است. از میان کسانی که گفته‌اند به تماشا علاقه دارند، ۵۰.۶ درصد تماشای حضوری را انتخاب کرده‌اند. سهم پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب، آپارات و توییچ نیز در گزارش جداگانه آمده است. این یافته‌ها می‌گویند تماشای بازی برای بخشی از مخاطبان جذاب شده، اما نمی‌توان از آنها به‌تنهایی نتیجه گرفت که بازار حرفه‌ای استریم یا سرگرمی رقابتی در ایران به بلوغ رسیده است.

پول را چه کسانی خرج می‌کنند؟

گزارش ۲۶.۹ درصد بازیکنان را خریدار می‌داند؛ یعنی کسی که در سال ۱۴۰۲ برای نرم‌افزار بازی پول داده یا کنسول و لوازم جانبی بازی خریده است. این تعریف مهم است، چون خریدار در اینجا فقط کسی نیست که بازی دیجیتال یا خرید درون‌برنامه‌ای انجام داده باشد؛ خرید دستگاه و تجهیزات هم در آن حساب شده است. میانگین سن خریداران ۲۷.۷ سال است و نرخ خرید در میان مردان ۳۴.۷ درصد و در میان زنان ۱۴.۳ درصد گزارش شده است.

یکی از روشن‌ترین تفاوت‌ها میان خریداران و غیرخریداران، زمان بازی است. خریداران به‌طور متوسط روزانه ۱۵۰ دقیقه بازی می‌کنند، در حالی که این میزان برای غیرخریداران ۵۸ دقیقه است. این رابطه به‌خودی‌خود ثابت نمی‌کند که زمان بیشتر باعث خرید می‌شود یا خرید، زمان بازی را بالا می‌برد اما نشان می‌دهد بخش پول‌ساز بازار بیشتر با بازیکنانی پیوند دارد که درگیری زمانی بیشتری با بازی دارند. به بیان دیگر، تعداد کاربران به‌تنهایی برای سنجش ارزش اقتصادی بازار کافی نیست و باید شدت مصرف و نوع هزینه‌کرد را هم دید.

برآورد گزارش از اندازه بازار بازی در سال ۱۴۰۲ حدود ۷۰ هزار و ۶۶۳ میلیارد تومان است. ۶۵ درصد این مبلغ به سخت‌افزار و ۳۵ درصد به نرم‌افزار مربوط می‌شود. خرید کنسول بزرگ‌ترین قلم هزینه معرفی شده و ۴۲ درصد از کل بازار را در بر می‌گیرد. در مقابل، نرم‌افزار موبایل با وجود گستردگی مخاطبانش فقط هفت درصد از پول بازار را جذب می‌کند. به این ترتیب، بازاری که از نظر تعداد کاربر پرشانه موبایل ایستاده، از نظر گردش مالی بیشتر به خرید دستگاه و تجهیزات متکی است. این شکاف برای تولیدکنندگان بازی ایرانی پرسشی جدی ایجاد می‌کند؛ چگونه می‌توان جمعیت بزرگی از کاربران موبایلی را به مخاطبانی تبدیل کرد که حاضر باشند برای بازی، محتوای تکمیلی یا خدمات مرتبط، پول پرداخت کنند؟ پاسخ در این گزارش وجود ندارد.

برای پاسخ باید عواملی مانند الگوی پرداخت کاربران، کیفیت و قیمت محصولات، شیوه توزیع، اعتماد به پرداخت دیجیتال و تجربه خرید بررسی شود. این موارد مسیرهای قابل تحقیق هستند، نه علت‌هایی که بتوان از آمار موجود قطعی دانست.

عددها چه چیزی را پنهان می‌کنند؟

خود گزارش درباره دقت مقایسه‌های استانی هشدار داده است. نمونه‌های استانی کوچک‌تر از نمونه ملی هستند؛ تعداد پاسخ‌گویان در استان‌ها از ۱۵۵ نفر در خوزستان تا ۶۴۵ نفر در تهران تفاوت دارد. گزارش می‌گوید در نمونه ۱۵۵ نفری، یک سهم نزدیک به ۵۰ درصد حدود هشت واحد درصد خطای نمونه‌گیری دارد؛ بنابراین اختلاف‌های اندک میان استان‌ها نباید معنادار تلقی شوند. به‌ویژه در برآورد هزینه و اندازه بازار، تمرکز مخارج در تعداد کمی از پاسخ‌گویان می‌تواند تصویر استان را به‌شدت جابه‌جا کند.

محدودیت دیگر به زمان داده‌ها برمی‌گردد. موضوع پیمایش رفتار مصرفی سال ۱۴۰۲ است و گردآوری اطلاعات در ابتدای ۱۴۰۳ انجام شده؛ پس نمی‌توان ارقام آن را بی‌واسطه به وضعیت ۱۴۰۵ یا ۱۴۰۶ تعمیم داد. افزون بر این، گزارش فقط پنج استان را بررسی کرده است؛ استان‌هایی که به دلیل مصرف بالای بازی در مطالعات پیشین انتخاب شده‌اند. در نتیجه، این تصویر برای شناخت بخشی از بازار ارزشمند است، اما نماینده همه تنوع جغرافیایی و اقتصادی ایران نیست.

با وجود این محدودیت‌ها، «بازی خیزها» یک نکته روشن را پیش چشم می‌گذارد: بازی دیجیتال در ایران دیگر سرگرمی کوچکی در حاشیه زندگی نیست. کاربران زیادی بازی می‌کنند، بخشی از آنها زمان قابل توجهی صرف می‌کنند و گروهی نیز برای تجهیزات و محصولات مرتبط پول می‌پردازند. اما میان گستردگی مصرف و قدرت اقتصادی نرم‌افزار بازی فاصله‌ای جدی وجود دارد. فهم این فاصله و نه فقط شمردن بازیکنان، شاید مهم‌ترین ماموریت سیاست‌گذاران، ناشران و سازندگان بازی در سال‌های پیش رو باشد.

ذره‌بین

سه هشدار در حاشیه بازی‌های دیجیتال



گسترش بازی‌های دیجیتال فقط به افزایش سرگرمی و رونق بازار محدود نمی‌شود. گزارش «بازی خیزها» سه شاخص کمتر دیده شده را نیز بررسی کرده که توجه به آنها برای خانواده‌ها و سیاست‌گذاران اهمیت دارد: شناخت رده‌بندی سنی بازی‌ها، زورگویی اینترنتی و شرط‌بندی. بر اساس این پیمایش، تنها ۱۴.۱ درصد بازیکنان با نظام رده‌بندی سنی «اسرا» آشنا هستند. این در حالی است که ۲۳.۲ درصد می‌گویند توجه زیادی به رده‌بندی سنی بازی‌ها دارند و ۴۸.۵ درصد نیز تا حدودی به آن توجه می‌کنند. در مقابل، ۲۸.۸ درصد اساسا به این موضوع توجهی ندارند. این فاصله نشان می‌دهد توجه به تناسب سنی بازی‌ها لزوما با شناخت نظام رسمی رده‌بندی همراه نیست. در دو شاخص هشداردهنده دیگر، میانگین کشوری زورگویی اینترنتی ۳.۵ درصد و شرط‌بندی سه درصد گزارش شده است. هرچند این ارقام در مقایسه با جمعیت بازیکنان کوچک به نظر می‌رسند، اما یادآور این نکته‌اند که توسعه بازی‌های دیجیتال باید با افزایش آگاهی خانواده‌ها، آموزش سواد رسانه‌ای و توجه به امنیت بازیکنان همراه باشد.

با فیلم‌هایی از ۲۲ کشور

مستندهای کوتاه «سینماحقیقت ۲۰» اعلام شدند



مستندهای کوتاه در بخش مسابقه بین‌الملل بیستمین جشنواره «سینماحقیقت» رقابت می‌کنند.

به گزارش «ایرنا» از ستاد خبری جشنواره، در بخش مسابقه بین‌الملل بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» ۲۴ مستند کوتاه رقابت می‌کنند.

این آثار عبارتند از «زنی که راه می‌رود» (فرانچسکو کلریچی، خوله ماتری) محصول ایتالیا/ تونس/ انگلستان، «خانه‌مان را ترسیم کن» (اینا کودریاوتسوا) تولید روسیه، «خداحافظ، کوکی!» (کوئنتون میلر) محصول هلند، «موتورسوار بیگانه» (جاکوپو دومنی کینی) محصول ایتالیا، «صدا» (مارت راوکاس) محصول استونی، «انسان برای انسان» (سناد شابوتیچ) محصول مونته نگرو، «پژواک» (محمد مسلی) محصول لیبی، «چون من یک دخترم» (سایازان ایسپولگانوا، الیسا تیان، روزیتا کنشووا، فاطیما چوروبکووا، داریا مورزولویکا و آیانا بایموراتوا، تولید قرقیزستان، «کارت پستال‌ها» (فریا کریستینسدوتیر) از ایسلند، «ده ثانیه» (چی هاو شن) از تایوان، «هرروز در غزه» (عمر رمال) از فلسطین، «معدن طلا» (آندریا مورگن) از ایتالیا، «هارون نامانیا» (کاسان کوردی) از اندونزی، «مسیری تازه» (لوییزا رشناخ) از انگلستان، «صدای دریا» (ناتالیا دوبرژانسکایا) از جمهوری چک، «پرنده زیرزمینی» (ارو تامی) از فنلاند، «تنها» (الکساندر عبدولیپاروف) از روسیه، «ننه لوسیا» (مارسل بارلی) از سوئیس، «تار و پود» (جایاتی وادهاوان) از هند، «آکی» (داوید بویترون فرناندز) از مکزیک، «بازمانده» (اوندرام اوزدم) از ترکیه، «باد» (ینس ناگلز) از آلمان، «چرخ‌هایی در دل چرخ‌ها» (یلنا مدیچ) از بوسنی و هرزگوین و «افق گمشده غزه» (مومن غنیم حسنین) از فلسطین.

بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» از ۱۸ تا ۲۴ آذر با دبیری محمد حمیدی‌مقدم در پردیس ملت برگزار می‌شود.

«جی‌تی‌ای ۶» پیش از انتشار یک میلیارد دلار فروخت



پیش‌خرید بازی ویدئویی «جی‌تی‌ای ۶» در فاصله یک هفته مانده به عرضه رسمی، از یک میلیارد دلار گذشت.

به گزارش «ایسنا» در حالی که کمتر از یک هفته تا انتشار رسمی جدیدترین قسمت مجموعه بازی‌های «جی‌تی‌ای» باقی مانده، این بازی بر اساس برآوردها، پیش از عرضه رسمی بیش از یک میلیارد دلار فروش در مرحله پیش‌خرید داشته است. قرار است «جی‌تی‌ای ۶» پس از سال‌ها انتظار و چندین بار تاخیر، روز پنج‌شنبه ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) منتشر شود.

به گزارش شبکه فاکس لایو، برآورد می‌شود درآمد حاصل از پیش‌خرید بازی تا صبح ۱۳ نوامبر، از فروش ۱۲ میلیون و ۱۳۰ هزار نسخه به یک میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار رسیده باشد. بر اساس گزارش شرکت پژوهشی سنسور تاور، جدیدترین قسمت مجموعه «جی‌تی‌ای» در حالی کمتر از یک هفته دیگر به‌طور رسمی منتشر می‌شود که برآوردها از عبور فروش پیش‌خرید آن از مرز یک میلیارد دلار حکایت دارد.

این بازی در مرحله نخست برای کنسول‌های پلی‌استیشن ۵ و ایکس‌باکس سری ایکس و اس عرضه خواهد شد. براساس برآورد این شرکت، حدود ۷۵ درصد خریدهای بازی به نسخه پلی‌استیشن ۵ و ۲۵ درصد باقی‌مانده به نسخه ایکس‌باکس اختصاص دارد. قیمت نسخه‌های دیجیتال بازی از ۷۹ دلار و ۹۹ سنت برای نسخه استاندارد آغاز می‌شود و نسخه نهایی با قیمت ۹۹ دلار و ۹۹ سنت عرضه خواهد شد.

راک استار، شرکت تولیدکننده این بازی ویدئویی روز سه‌شنبه ۱۰ نوامبر امکان پیش‌بارگذاری نسخه دیجیتال بازی را فراهم کرد تا کاربران بتوانند پیش از زمان انتشار، بازی را دانلود کنند. دانلود زودهنگام می‌تواند به بازیکنان کمک کند تا در روز عرضه با انتظار طولانی برای دریافت فایل بازی مواجه نشوند. دانلود «جی‌تی‌ای ۶» شبکه‌های اینترنتی را تحت فشار قرار داده است و هجوم کاربران برای پیش‌بارگذاری بازی، ترافیک اینترنت را به رکوردهای تازه‌ای رسانده و برخی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی را وادار کرده است تا درباره پیامدهای این افزایش تقاضا هشدار دهند.

مستند «نازا» به جمع پربیننده‌ترین آثار سینمایی سال ۲۰۲۶ پیوست

بیش از یک‌ونیم میلیون تماشاگر در سراسر جهان

مستند «نازا» که به بررسی سازوکارهای منجر به کشتار گسترده غیرنظامیان در غزه می‌پردازد، در کمتر از دو ماه پس از آغاز نمایش جهانی خود در سینماها، بیش از یک و نیم میلیون تماشاگر جذب کرده است. این استقبال گسترده، اثر تازه یووال آبراهام و راشل شوور را به یکی از موفق‌ترین مستندهای سال ۲۰۲۶ در اکران سینمایی تبدیل کرده؛ فیلمی که در کنار تحسین منتقدان و مخاطبان، با واکنش‌های تند مقام‌های اسرائیلی نیز مواجه شده است.

به گزارش «آگاه» به نقل از گاردین، «نازا» به کارگردانی یووال آبراهام و راشل شور، دو فیلم‌ساز اسرائیلی برنده اسکار و با تهیه‌کنندگی روزنامه گاردین ساخته شده است. طبق آمار اعلام شده، مجموع مخاطبان این مستند در سینماهای جهان تا جمعه ۶ نوامبر به یک میلیون و ۵۴۷ هزار و ۳۳ نفر رسیده است. این میزان استقبال، فیلم را در فهرست پربیننده‌ترین مستندهایی قرار می‌دهد که در سال جاری میلادی اکران سینمایی داشته‌اند.

این اثر در ماه سپتامبر جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم ونیز را به دست آورد. نمایش نخست آن در این جشنواره با استقبال چشمگیر تماشاگران همراه شد و حاضران پس از پایان فیلم، به مدت ۲۴ دقیقه و نیم ایستاده آن را تشویق کردند؛ واکنشی که در تاریخ جشنواره رکورد محسوب می‌شود. منتقدان سینمایی نیز از زمان نمایش فیلم، ارزیابی‌های مثبتی از آن ارائه کرده‌اند. در کنار موفقیت هنری و تجاری، موضع‌گیری مقام‌های اسرائیلی علیه سازندگان فیلم نیز توجه رسانه‌ها را جلب کرده است. وزیر فرهنگ اسرائیل تهدید کرده تابعیت کارگردانان «نازا» را لغو خواهد کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این کشور، نیز دستور داده هویت افرادی که در مستند با سازندگان آن مصاحبه کرده‌اند شناسایی و زمینه پیگرد قضایی آنان فراهم شود.

این مستند تحقیقی تاکنون در ۴۷ منطقه جهان روی پرده رفته است. گاردین همچنین برنامه دارد نسخه کامل و رایگان فیلم را در اوایل دسامبر از طریق وب‌سایت خود در اختیار مخاطبان بین‌المللی قرار دهد. این نسخه برای دسترسی گسترده‌تر، به چندین زبان آماده خواهد شد.

رکوردشکنی «نازا» در سینماهای ایتالیا

ایتالیا یکی از مهم‌ترین بازارهای نمایش «نازا» بوده و این فیلم در آنجا به موفقیتی کم سابقه دست یافته است. مستند که از ماه سپتامبر در سینماهای ایتالیا اکران شده، تاکنون ۷۱۷ هزار و ۵۱۷ بار پذیرش تماشاگر ثبت کرده است؛ رقمی که جایگاه سومین مستند پربیننده تاریخ اکران سینمایی این کشور را برای آن به همراه داشته است. تنها دو اثر «فارنهایت ۱۱/۹» ساخته مایکل مور و «رژه پنگوئن‌ها» پیش از آن قرار دارند.

استقبال از فیلم به ایتالیا محدود نمانده است. در بریتانیا و ایرلند، شمار پذیرش تماشاگران به ۱۰۲ هزار و ۵۰۸ مورد رسیده و در منطقه بنلوکس نیز شرکت پخش‌کننده فیلم، چری پیکرز، مجموع ۱۳۲ هزار و ۳۲۳ مورد را در بلژیک، هلند و لوکزامبورگ ثبت کرده است. در آلمان نیز ۸۳ هزار و ۳۵۵ تماشاگر به تماشای این اثر نشسته‌اند. در آمریکای شمالی، آمار تماشاگران «نازا» در ایالات متحده و کانادا به ۸۳ هزار و ۶۷۳ مورد رسیده است. نمایش فیلم در این دو کشور از ۳۰ سپتامبر و به صورت مستقل آغاز شد، اما در ماه اکتبر شرکت پخش نئون مسئولیت توزیع آن را بر عهده گرفت تا زمینه دسترسی مخاطبان بیشتری به اثر فراهم شود. «نازا» همچنین در اوایل نوامبر جایزه بهترین مستند سیاسی جوایز انتخاب منتقدان را دریافت کرد.

شرایط اکران در فرانسه متفاوت بود. به دلیل مقررات سخت‌گیرانه این کشور درباره نمایش سینمایی فیلم‌هایی که امکان پخش اینترنتی نیز دارند، «نازا» تنها طی یک دوره ۴۸ ساعته در سینماها به نمایش درآمد. با وجود این فرصت محدود، مستند در نزدیک به ۵۰۰ نوبت نمایش بیش از ۸۲ هزار تماشاگر جذب کرد و در هر دو روز اکران، رتبه نخست فروش سینماهای فرانسه را به دست آورد.



سکوت تماشاگران پس از پایان نمایش «نازا»

بازتاب این مستند تنها به جوایز و آمار فروش محدود نبوده است. گزارش‌های منتشرشده از سالن‌های سینما نشان می‌دهد که بسیاری از تماشاگران پس از پایان فیلم و هنگام نمایش تیتراژ پایانی، در سکوتی سنگین فرو می‌روند؛ واکنشی که حتی پس از روشن شدن چراغ‌های سالن نیز ادامه پیدا می‌کند. برخی روایت‌ها حاکی از آن است که مخاطبان پس از تماشای تصاویر و شنیدن روایت‌های مطرح شده در مستند، برای مدتی قادر به واکنش یا گفت‌وگو نیستند و سالن را در سکوت ترک می‌کنند. رادیو فرانسه نیز در نقد خود بر این فیلم به همین فضای تاثیرگذار اشاره کرده و نوشته است: «به ندرت پس از پایان یک نمایش سینمایی و روشن شدن چراغ‌ها، چنین سکوتی بر سالن حاکم می‌شود.»



سحر تاجبخش، رئیس سازمان هواشناسی کشور:
بارش باران را در هفته‌های آخر پاییز خواهیم داشت اما نه به اندازه آبان

یکشنبه/ ۲۴ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۰

روزهای آلوده دیرتر آمد



مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با اشاره به وضعیت کیفیت هوای تهران در ماه‌های ابتدایی پاییز امسال بیان کرد: بررسی‌ها از تاخیر در آغاز دوره روزهای آلوده نسبت به مدت مشابه سال گذشته حکایت دارد البته شرایط جوی، میزان انتشار آلاینده‌ها و سایر عوامل محیطی و مدیریتی در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند و نمی‌توان تغییرات کیفیت هوا را صرفا به یک اقدام مشخص نسبت داد.

فاطمه کریمی با اشاره به اینکه آلودگی هوای تهران در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست محیطی و بهداشتی پایتخت تبدیل شده است، اظهار کرد: افزایش غلظت آلاینده‌های جوی تحت تاثیر عواملی همچون منابع انتشار آلاینده‌ها و شرایط جوی، ضرورت پایش مستمر و مدیریت کیفیت هوا را دوچندان کرده است. وی افزود: مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ها با هدف کنترل و کاهش انتشار آلاینده‌ها در دستور کار شهرداری تهران قرار گرفته که توسعه حمل‌ونقل عمومی، برقی‌سازی ناوگان، نوسازی وسایل نقلیه، گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل پاک و تسهیل استفاده از وسایل نقلیه عمومی از جمله محورهای اصلی آن است.

کریمی، توسعه حمل‌ونقل پاک و برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی را از اقدامات مهم در این زمینه دانست و گفت: تامین و ورود اتوبوس‌های تمام‌برقی، جایگزینی تاکسی‌های فرسوده با تاکسی‌های برقی و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای شارژ و سایل نقلیه برقی در دستور کار قرار گرفته است.

مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با اشاره به اهمیت کیفیت سوخت در کاهش آلودگی هوا تصریح کرد: میزان گوگرد موجود در بنزین و گازوئیل به ویژه در ناوگان دیزلی در انتشار دی‌اکسید گوگرد و تشکیل ذرات معلق ثانویه نقش دارد. وی با استناد به داده‌های کیفیت سوخت در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ گفت: اگرچه میزان گوگرد بنزین در محدوده مجاز استاندارد یورو ۴ قرار داشته است اما غلظت گوگرد گازوئیل، با وجود کاهش نسبت به فصل بهار، همچنان بالاتر از حد مجاز این استاندارد بوده است. از این رو ارتقای کیفیت سوخت در کنار نوسازی و برقی‌سازی ناوگان از اقدامات مکمل برای کاهش انتشار آلاینده‌ها محسوب می‌شود.

کریمی همچنین اجرای طرح رایگان‌سازی خدمات حمل‌ونقل عمومی از ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۵ را از دیگر برنامه‌های شهرداری تهران برشمرد و اظهار کرد: این طرح با هدف افزایش استقبال شهروندان از مترو و اتوبوس‌های شهری و کاهش استفاده از خودروهای شخصی اجرا شده است. وی با اشاره به وضعیت کیفیت هوای تهران در ماه‌های ابتدایی پاییز امسال بیان کرد: بررسی‌ها از تاخیر در آغاز دوره روزهای آلوده نسبت به مدت مشابه سال گذشته حکایت دارد البته شرایط جوی میزان انتشار آلاینده‌ها و سایر عوامل محیطی و مدیریتی در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند و نمی‌توان تغییرات کیفیت هوا را صرفا به یک اقدام مشخص نسبت داد.

پیامد آلودگی از ریه تا مغز



فرزانه احمدی، متخصص ریه: بارش باران در روزهای آلوده تهران معمولا با این امید همراه است که هوای شهر سرانجام نفس تازه‌ای بکشد اما این بهبود، اغلب موقتی است. آلودگی هوا در تهران دیگر فقط به روزهای خاکستری و سوزش چشم و گلو محدود نمی‌شود بلکه مسئله‌ای مزمن است که پیامدهای آن از سلامت ریه و قلب شهروندان فراتر رفته و محیط زیست، اقتصاد و کیفیت زندگی شهری را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

آلودگی هوا فقط یک مسئله مربوط به دستگاه تنفسی نیست، بلکه تقریبا تمام ارگان‌های بدن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون به دلیل ابعاد بسیار ریز می‌توانند از سدهای دفاعی دستگاه تنفسی عبور کنند و وارد جریان خون شوند. این ذرات با افزایش التهاب و استرس اکسیداتیو در بدن، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی، سکته مغزی و بیماری‌های مزمن تنفسی را افزایش می‌دهند.

از طرف دیگر، قرارگرفتن مداوم در معرض آلاینده‌هایی مانند ذرات معلق، دی‌اکسید نیتروژن و ازن می‌تواند آسم و بیماری انسدادی مزمن ریه را تشدید کند. بنابراین نباید تصور کرد که فقط افراد دارای بیماری زمینه‌ای در معرض خطر هستند افراد سالم نیز در مواجهه طولانی‌مدت آسیب می‌بینند.

کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند زیرا دستگاه تنفسی و سیستم ایمنی آنها هنوز در حال تکامل است. آلودگی هوا می‌تواند بر رشد ریه‌ها، عملکرد تنفسی و سلامت عمومی آنها اثر بگذارد. همچنین برخی مطالعات ارتباط میان مواجهه با آلودگی هوا و مشکلات رشد شناختی و عصبی کودکان را نشان داده‌اند.

در سالمندان نیز به دلیل کاهش توانایی دفاعی بدن و شیوع بیشتر بیماری‌های زمینه‌ای، آلودگی هوا می‌تواند موجب تشدید بیماری‌های قلبی و تنفسی، افزایش بستری در بیمارستان و بالا رفتن خطر مرگ زودرس شود. در سال‌های اخیر مطالعات متعددی درباره ارتباط آلودگی هوا با سلامت مغز انجام شده است.

برخی آلاینده‌ها می‌توانند از مسیرهای مختلف موجب التهاب عصبی و آسیب‌های سلولی شوند. شواهدی درباره ارتباط مواجهه طولانی‌مدت با آلودگی هوا و افزایش خطر افت عملکرد شناختی، اختلال حافظه و بیماری‌های تحلیل برنده عصبی وجود دارد. البته باید توجه داشت که این ارتباط‌ها در همه موارد به معنای اثبات رابطه علت و معلولی مستقیم نیستند، اما مجموعه شواهد علمی نشان می‌دهد که آلودگی هوا را باید تهدیدی برای سلامت مغز نیز در نظر گرفت.

بازگشت آلودگی پس از بارندگی

باران می‌بارد، اما هوا پاک نمی‌ماند

بارندگی هفته گذشته برای چند روز هوای تهران را پاک کرد. پس از بارش، شاخص کیفیت هوا به عدد ۴۸ رسید و پایتخت هوایی در محدوده پاک را تجربه کرد اما این وضعیت دوام چندانی نداشت. با بازگشت شرایط آلوده، محدودیت تردد خودروها به اجرای طرح زوج‌وفرد از درمنازل رسید اتفاقی که بار دیگر نشان داد بهبود کیفیت هوا با یک بارندگی، به معنای حل مسئله آلودگی نیست.





براساس آمار ثبت‌شده، میزان بارش تهران از ابتدای سال آبی جاری تا ۱۸ آبان ۱۴۰۵ به ۵۴.۵ میلی‌متر رسیده است. با این حال، سازمان هواشناسی کشور برای نخستین بار هشدار نارنجی آلودگی هوا را در تهران صادر کرده و نسبت به افزایش غلظت آلاینده‌ها و کاهش کیفیت هوا در پی پایداری شرایط جوی هشدار داده است. پیش‌بینی این سازمان نشان می‌دهد از دیروز شنبه ۲۳ آبان تا پایان امروز یکشنبه ۲۴ آبان، غلظت آلاینده‌ها افزایش می‌یابد و کیفیت هوا ممکن است به محدوده ناسالم برای تمام گروه‌ها برسد و در صورت کنترل نشدن منابع انتشار آلاینده‌های ثابت و متحرک، مناطق پرتردد و صنعتی نیز ممکن است با شرایط بسیار ناسالم روبه‌رو شوند.

این رفت‌وبرگشت میان هوای پاک پس از بارندگی و بازگشت آلودگی هوا، مسئله‌ای فراتر از وضعیت روزانه شاخص کیفیت هوا را پیش روی شهر قرار می‌دهد. آلودگی هوا فقط به معنای کاهش دید یا دشوار شدن تردد در خیابان‌ها نیست پیامدهای آن از سلامت و هزینه‌های درمانی تا بهره‌وری اقتصادی، آموزش، کیفیت زندگی و محیط زیست امتداد پیدا می‌کند.

گزارش «پیامدها و هزینه‌های آلودگی هوا در ایران» که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده، تصویری از ابعاد این خسارت‌ها ارائه می‌دهد. بر اساس ارزیابی وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۲، در ۵۷ شهر کشور با جمعیتی حدود ۴۸ میلیون نفر، ۳۰ هزار و ۶۹۲ مرگ زودرس به آلودگی هوا منتسب شده است. خسارت مرتبط با این مرگ‌ها ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده رقمی که در برخی مطالعات با احتساب هزینه بیماری‌ها به بیش از ۲۳ میلیارد دلار، معادل پنج درصد تولید ناخالص داخلی کشور، می‌رسد.

این آمار تنها بخشی از پیامدهای سلامت آلودگی هوا را نشان می‌دهد. در ارزیابی وزارت بهداشت، شمار مرگ‌های منتسب به مواجهه طولانی‌مدت با ذرات معلق ریز PM۲.۵ در سال ۱۴۰۱ برای جمعیتی حدود ۳۹ میلیون نفر، ۲۶ هزار و ۳۰۷ مورد و در سال ۱۴۰۲ برای جمعیتی حدود ۴۸ میلیون نفر، ۳۰ هزار و ۶۹۲ مورد برآورد شده است. برخی مطالعات با در نظر گرفتن مواجهه کل جمعیت کشور، شمار مرگ‌های منتسب را بیش از ۴۹ هزار مورد تخمین زده‌اند.

اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، هزینه آلودگی هوا را به مرگ‌های زودرس و بیماری محدود نمی‌کند. کاهش بهره‌وری نیروی انسانی، تعطیلی ادارات و مشاغل، خسارت به بخش صنعت و کشاورزی، آسیب به زیرساخت‌ها و کاهش گردشگری از دیگر پیامدهای اقتصادی آن عنوان شده است. به این ترتیب، آلودگی هوا علاوه بر هزینه‌هایی که مستقیما بر نظام سلامت تحمیل می‌کند، بر فعالیت اقتصادی و امکان تولید و کسب‌وکار نیز اثر می‌گذارد.

همچنین آلودگی هوا می‌تواند بر انگیزه و نگرش افراد نسبت به آینده اثر بگذارد. در حوزه محیط زیست نیز تخریب اکوسیستم‌ها بر اثر باران اسیدی، آلودگی خاک و گیاهان و اختلال در چرخه حیات وحش از پیامدهای مطرح‌شده است. این گزارش در بخش پیشنهادهای سیاستی، بر ضرورت در نظر گرفتن هزینه‌های واقعی و پنهان آلودگی هوا هنگام تصویب و تخصیص بودجه تاکید دارد. بهبود تجهیزات کنترل آلودگی در منابع ثابت و متحرک، گسترش حمل‌ونقل عمومی کارآمد، از رده خارج کردن خودروهای فرسوده و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله اقداماتی است که باید منافع اقتصادی و اجتماعی آنها در تصمیم‌گیری‌های بودجه‌ای محاسبه شود.

در کنار این ضرورت‌ها، تجربه تهران نشان می‌دهد کنترل آلودگی هوا به یک اقدام یا یک دستگاه محدود نمی‌شود. برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل، توسعه مترو و اجرای طرح‌های ترافیکی می‌توانند بخشی از مسیر کاهش آلاینده‌ها باشند، اما به‌تنهایی پاسخگوی مسئله نیستند. کنترل منابع آلاینده ثابت و متحرک و هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، از الزامات مواجهه موثر با این بحران است. ایجاد سازوکار هماهنگ‌کننده در سطحی بالاتر نیز می‌تواند از پراکندگی تصمیم‌ها و اقدامات جلوگیری کند. درواقع، مسئله آلودگی هوا فقط این نیست که با شاخص کیفیت هوا در چه محدوده‌ای قرار می‌گیرد مسئله، خسارتی است که هرروز به سلامت مردم، اقتصاد، آموزش و محیط زیست وارد می‌شود. وقتی هزینه‌های مستقیم و پنهان آلودگی تا این اندازه گسترده است، اقدامات کنترلی نباید صرفا با هزینه اجرای آنها سنجیده شوند بلکه باید خسارتی را هم که در صورت اجرا نشدن این اقدامات به کشور تحمیل می‌شود، در محاسبات دید.

باران می‌تواند برای مدتی ذرات معلق را از هوا بشوید، اما نمی‌تواند جای سیاست‌گذاری پایدار، کنترل منابع انتشار و همکاری دستگاه‌ها را بگیرد. هوای پاک زمانی از یک اتفاق موقت به یک وضعیت پایدار تبدیل می‌شود که پیشگیری و کاهش آلودگی، در اولویت تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع قرار گیرد.

درگفت‌وگو با «آگاه» مطرح شد

آلودگی هوای تهران با اقدامات یک دستگاه حل نمی‌شود

مدیرکل محیط زیست و توسعه شهرداری تهران با بیان اینکه آلودگی هوا مهم‌ترین چالش محیط‌زیستی پایتخت است، گفت: حل این معضل به هماهنگی بین‌بخشی و بین‌دستگاهی و حضور یک نهاد بالادستی قدرتمند برای هماهنگ کردن دستگاه‌های مسئول نیاز دارد و یک دستگاه به‌تنهایی نمی‌تواند آلودگی هوای یک کلان‌شهر را برطرف کند.

محمدصابر باغخانی پور، دانش‌آموخته دکتری محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به اینکه به نتیجه نرسیدن یک پژوهش لزوما به معنای بی‌فایده بودن آن نیست، گفت: هر پژوهشی به تجربه و دانش ما اضافه می‌کند، اما گاهی فاصله زیادی میان پژوهش و اجرا وجود دارد که در بیشتر مواقع عوامل دیگری در آن دخیل هستند. او که مسئولیت اداره کل محیط زیست و توسعه شهرداری تهران را نیز دارد، درباره نتایج اجرایی پژوهش‌های محیط‌زیستی توضیح داد: پژوهش‌هایی در حوزه آلودگی هوا، آب و صوت، انرژی‌های تجدیدپذیر، چگونگی مصرف بهینه انرژی، اصلاح الگوی مصرف، توسعه انرژی خورشیدی، ضرورت و چگونگی ایجاد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری و بررسی مدل‌های مختلف آن، کاهش فشار بر منابع زیرزمینی، روش‌های جلوگیری از آلودگی هوا و حل این معضل، پایش‌های آنلاین محیط زیستی، مدیریت خانه‌های سبز، استفاده از پساب و آب‌های سطحی، بازچرخانی آب خاکستری و آب باران و مدیریت اصولی پسماند انجام شده است و بخشی از این چالش‌ها از طریق این مطالعات مورد پیگیری قرار گرفته‌اند.

مدیرکل محیط زیست و توسعه شهرداری تهران درادامه به طرح مناطق کم‌انتشار یا L.E.Z اشاره کرد و گفت: این مناطق با هدف بهبود کیفیت هوا ایجاد می‌شوند و در آنها خودروهای با آلایندگی بالا و غیراستاندارد از تردد منع می‌شوند. دسترسی وسایل نقلیه نیز بر اساس میزان انتشار آلودگی محدود می‌شود و برای این مناطق استانداردهای خاصی در نظر گرفته شده است. به گفته باغخانی‌پور، اجرای این طرح در تهران برای حل بخشی از معضل آلودگی هوا که سال‌هاست در پایتخت دنبال می‌شود، برآمده از یک تحقیق پژوهشی کامل است. همچنین اجرای تصفیه‌خانه‌های محلی فاضلاب یا روان‌آب‌ها از جمله اقداماتی است که بر پایه پژوهش شکل گرفته است. در زمینه نیروگاه‌های خورشیدی و مدیریت انرژی نیز موضوعاتی مانند هوشمندسازی مدیریت و کنترل انرژی، از مسائل جدید و پژوهش محور به شمار می‌روند.

مدیرکل محیط زیست و توسعه شهرداری تهران در پاسخ به پرسشی درباره مهم‌ترین چالش کنونی محیط زیست و توسعه پایدار در تهران و تفاوت آن با سایر کلان‌شهرها گفت: به نظرم در حال حاضر معضل آلودگی هوا است که به هماهنگی بین‌بخشی و بین‌دستگاهی و یک نهاد بالادستی قدرتمند هماهنگ‌کننده نیاز دارد تا بتواند همه دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط را به خط کند. فقط در این صورت مسئله آلودگی هوای تهران حل می‌شود. او تاکید کرد: یک دستگاه به‌تنهایی نمی‌تواند معضل آلودگی هوای یک کلان شهر را حل کند. برقی کردن ناوگان حمل‌ونقل، گسترش مترو و اجرای طرح‌های ترافیکی جدید، هرچند سهم بسزایی در کاهش آلودگی دارند، اما کافی نیستند و این وظیفه نیز به‌تنهایی بر عهده یک دستگاه نیست.

او درباره نخستین دهکده محیط زیستی در منطقه ۲۰ تهران و امکان تعمیم این طرح به سایر مناطق پایتخت اظهار کرد: شاید در نقاط دیگر تهران چنین نیازی یا امکانی وجود نداشته باشد و باید دید ضرورت اجرای آن در مناطق دیگر چقدر احساس و برای آن برنامه‌ریزی می‌شود.

باغخانی پور افزود: در این مجموعه تلاش کردیم یک فضای آموزشی و گردشگری فراهم کنیم تا دانش‌آموزان و خانواده‌های شان، دانشجویان، فعالان و علاقه‌مندان به محیط زیست، علاوه بر استفاده از فضای مفرح، با مشاهده مراکزی مانند تصفیه‌خانه‌ها و نیروگاه‌های خورشیدی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم آموزش ببینند و با مسائل محیط زیست و توسعه پایدار شهری از نزدیک آشنا شوند. امیدواریم اجرای این طرح تا سال ۱۴۰۵ عملیاتی شود. از این منظر، معرفی، آموزش و ایجاد حساسیت می‌تواند مقدمه انجام پژوهش‌های مرتبط یا انتخاب رشته تحصیلی در این حوزه‌ها باشد.

باغخانی پور درباره استفاده از ظرفیت نخبگان، دانشگاهیان و شرکت‌های دانش‌بنیان در مطالعات و اجرای طرح‌های محیط زیستی نیز به برگزاری نخستین رویداد «هوای پاک، از ایده تا عمل» در سال ۱۴۰۳ اشاره کرد و گفت: این رویداد با هدف ارتقای کیفیت هوای پایتخت، توانمندسازی و مشارکت شهروندان در کاهش آلودگی هوا، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل برقی، هدایت رفتارهای شهروندی و گسترش فضای سبز برگزار شد. او افزود: این رویداد با حضور استادان دانشگاهی، نخبگان علمی و پژوهشی و خبرگان اجرایی برگزار شد و شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها و دانشجویان علاقه‌مند نیز در آن حضور داشتند. فراخوان عمومی دادیم تا هرکس ایده‌ای برای مقابله با آلودگی هوا دارد، آن را به شهرداری ارائه کند.

مدیرکل محیط زیست و توسعه شهرداری تهران همچنین از ارائه فراخوان شرکت در رویداد «آب در نقطه تصمیم» در زمستان امسال خبر داد و گفت: این رویداد با هدف کاهش فشار بر منابع آب خام و زیرزمینی، کاهش استفاده از آب تصفیه‌شده برای آبیاری فضای سبز، احیای قنات‌ها و جلوگیری از حفر چاه‌های جدید، پایداری منابع آب و بهره‌برداری هدفمند از روان‌آب‌ها، هوشمندسازی و استفاده از فناوری‌ها برای حل مسائل آلودگی آب و حوزه فاضلاب شهری برگزار می‌شود. به گفته او، جامعه هدف این رویداد دانشجویان، جامعه دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان هستند.

باغخانی پور با اشاره به حمایت از ایده‌های نوآورانه در قالب استارتاپ‌ها نیز توضیح داد: اگر طرحی به شکل محصول یا نسخه ابتدایی قابل ارائه باشد و قابلیت اجرایی و بازاریابی داشته باشد، مورد حمایت شهرداری قرار می‌گیرد. وی به رویداد رقابت استارتاپی «ایده سبز» اشاره کرد که با هدف شناسایی، حمایت و توانمندسازی ایده‌های نوآورانه در حوزه محیط زیست و توسعه پایدار برگزار می‌شود و از نوآوران، پژوهشگران، دانشجویان، فعالان حوزه فناوری و علاقه‌مندان دعوت شده است تا طرح‌ها و ایده‌های خود را در حضور داوران تخصصی ارائه کنند.





حمید بورد، سرپرست وزارت نفت:

بازسازی پالایشگاه‌های گازی آسیب‌دیده سه شیفته دنبال می‌شود

درباره انتخاب اسم نوزادان که این روزها تنوع عجیب و غریبی دارد

از «گرگ آقا» تا «تیگران»



تصورکنید نوزادی به دنیا آمده و خانواده‌اش ازمدت‌ها قبل برای انتخاب نام او بحث کرده اند؛ پدر نامی را از شاهنامه پسندیده، مادر به دنبال اسمی کوتاه و امروزی است و مادربزرگ اصرار دارد نامی خانوادگی و به‌یادماندنی برای نوه‌اش انتخاب شود. سرانجام نامی انتخاب می‌شود که قراراست کودک را ازنخستین روززندگی تاآخرین روزبا خود همراه کند. اما ماجرا همیشه به همین سادگی نیست.

گاهی نام انتخابی آن قدر ناآشناست که معنایش برای دیگران روشن نیست، گاهی واژه‌ای است که درگذشته به‌عنوان نام انسان استفاده می‌شده اما امروز بیشتر یادآور یک شیء، صفت یا حتی مفهومی ناخوشایند است و گاهی هم والدین با نامی روبه‌رو می‌شوند که سامانه ثبت احوال اجازه ثبت آن را نمی‌دهد. نام‌گذاری، درظاهر انتخاب چند حرف برای درج در شناسنامه است، اما درواقع تصمیمی فرهنگی و اجتماعی است؛ تصمیمی که سلیقه، باور، خاطره و تصویری را که والدین از آینده فرزندشان دارند، در خود جای می‌دهد. به همین دلیل، گاهی فاصله میان نام‌های نسل‌های مختلف به اندازه فاصله میان جهان‌های متفاوت است.

وقتی «ملخ» و «نیمکت» نام آدم‌ها بودند

نگاهی به نام‌های ثبت شده در دهه‌های گذشته، گاهی شگفت‌انگیز و حتی باورنکردنی است. درمیان نام‌هایی که ازگذشته به یادگار مانده‌اند، نمونه‌هایی مانند «گرگ آقا»، «کابوس»، «ملخ»، «آسیب»، «اجباری»، «غارت»، «یتیم» و «اهریمن» برای مردان و «پنیر»، «نیمکت»، «کفتر»، «نوشابه»، «خیار»، «آشفته»، «افسرده»، «آفت» و «بیزار» برای زنان دیده می‌شود. نام‌هایی که امروز ممکن است بیشتر به یک شوخی شباهت داشته باشند تا نامی برای یک انسان.

این اسامی به‌عنوان نمونه‌هایی ازنام‌های غیرمتعارف ثبت‌شده، عمدتا متعلق به پیش ازسال ۱۳۷۰ معرفی شده‌اند. البته نباید همه این نام‌ها را با یک معیار واحد قضاوت کرد؛ بعضی ممکن است ریشه محلی یا معنایی داشته باشند که امروز برای عموم ناشناخته است، اما تعدادی نیز در زبان امروز بار معنایی ناخوشایندی دارند. «کابوس»، «آسیب»، «آفت» و «افسرده» ازهمین دسته‌اند. این نام‌ها یک پرسش را پیش می‌کشند: چگونه واژه‌هایی که امروز انتخابشان برای نام کودک عجیب یا نامناسب به نظر می‌رسد، روزگاری وارد شناسنامه‌ها شده‌اند؟ پاسخ را باید در تفاوت عرف، فرهنگ نام‌گذاری و ضوابط ثبت در دوره‌های مختلف جست‌وجو کرد. آنچه در یک دوره عادی یا پذیرفتنی تلقی می‌شده، لزوما در دوره دیگر همان جایگاه را ندارد.

از نام‌های بی‌معنا تا اسم‌های خاص و تازه

درسوی دیگر ماجرا، خانواده‌هایی قرار دارند که به دنبال نام‌های متفاوت و کمتر شنیده شده‌اند. برای این گروه، تکراری نبودن نام گاهی به‌اندازه زیبایی و معنای آن اهمیت دارد. جست‌وجوی نام‌های کمیاب ایرانی، ترکی و کردی و همچنین نام‌های برگرفته ازاسطوره‌ها و ادبیات، بخشی ازهمین گرایش است.

نام‌هایی مانند «آدرین»، «تیگران»، «بهنود» و «پرشیا» درفهرست‌های پیشنهادی نام‌های خاص دیده می‌شوند؛ نام‌هایی که برخی ریشه غیرفارسی دارند و برخی نیز با فرهنگ و تاریخ ایران پیوند خورده‌اند. درمیان نام‌های امروزی‌تر نیز «نورا»، «رستا»، «پناه»، «حلما» و «ماهلین» به گوش خانواده‌ها آشناتر شده‌اند.

با این حال، کمیاب بودن یک نام به معنای عجیب یا نامناسب بودن آن نیست. ممکن است واژه‌ای دریک زبان محلی معنای مشخص و ارزشمندی داشته باشد، اما برای فردی که با آن زبان آشنا نیست، نامانوس به نظر برسد. همین تفاوت زبانی و فرهنگی گاهی انتخاب نام را به موضوعی فراتر از سلیقه شخصی تبدیل می‌کند.

باوجود رواج نام‌های تازه و گرایش بخشی از خانواده‌ها به نام‌های کمتر شنیده شده، مذهب همچنان یکی از ریشه‌های مهم نام‌گذاری در ایران است. انتخاب نام‌هایی مانند فاطمه، زهرا، علی، حسین و محمد برای بسیاری از خانواده‌ها صرفا انتخاب یک واژه خوش‌آهنگ نیست؛ این نام‌ها حامل باورهای دینی، ارادت به شخصیت‌های مقدس و پیوندی عاطفی با سنت مذهبی خانواده‌اند. درچنین انتخابی، نام به نشانه‌ای از هویت اعتقادی و میراث فرهنگی تبدیل می‌شود. برای مثال، براساس اعلام مرکز رصد جمعیت کشور در آذر ۱۴۰۴، «فاطمه» با بیش از چهار میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و «زهرا» با حدود سه میلیون نفر، همچنان پرتکرارترین نام‌های دخترانه در کل جمعیت کشور هستند. همچنین نام «محمد» با دو میلیون و ۷۰۷ هزار، «علی» با دو میلیون و ۴۹۶ هزار و «حسین» با یک میلیون و ۸۸۴ هزار، پرتکرارترین نام‌های پسرانه در ایران به شمار می‌روند. شایان ذکر است که این آمار متعلق به سال ۱۴۰۴ بوده و آمار جدید هنوز اعلام نشده است.

نام‌هایی که جنسیت‌شان هم تغییر می‌کند

ماجرای نام‌گذاری فقط به معنای واژه‌ها محدود نمی‌شود؛ جنسیت نام‌ها نیز در گذر زمان و در فرهنگ‌های مختلف تغییر می‌کند. نامی که در یک دوره یا منطقه برای دختر و پسر استفاده می‌شده، ممکن است امروز بیشتر به یکی از دو جنس نسبت داده شود. گاهی نیز نامی که در نسل‌های قدیمی برای یک جنس رایج بوده، در نسل جدید برای جنس دیگر نامانوس به نظر می‌رسد. مثلا در استعلام از سامانه نام‌گذاری سازمان ثبت احوال متوجه شدیم نام «فرخ» که پیشتر هم برای دختر و هم برای پسر انتخاب می‌شد اکنون صرفا به دختر اختصاص یافته است. یا نام «عزت‌الله» در لیست نام‌های مجاز ثبت احوال نیست و «عزت» هم به عنوان نام دختر پذیرفته شده است.

درگزارش‌های مربوط به نام‌های قابل تغییر، نمونه‌هایی مانند «آرش» برای دختر و «نسرین» برای پسر به عنوان نام‌های نامتناسب با جنس صاحب شناسنامه مطرح شده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که برداشت اجتماعی از جنسیت نام‌ها تا چه اندازه می‌تواند در پذیرش یا نپذیرفتن یک اسم موثر باشد.

پژوهش زبان‌شناختی درباره گرایش‌های نام‌گذاری چهار نسل ایرانی نیز نشان می‌دهد که نام‌ها صرفا نشانه‌ای برای شناسایی افراد نیستند، بلکه حامل هویت مذهبی، ملی، فراملی و اجتماعی‌اند. دراین پژوهش، بررسی ۳۱۰۸ نام ازمتولدان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۸ نشان داده است که در نسل‌های جدیدتر، گرایش به نام‌های ملی و فراملی افزایش یافته است. همچنین نام‌های کهن ایرانی در هر دو جنس روندی رو به رشد نشان داده‌اند. درکنار نام‌های ریشه‌دار، سلیقه نسل جدید به سمت نام‌های کوتاه‌تر و متفاوت نیز حرکت کرده است.

مرز سلیقه والدین و قانون کجاست؟

با وجود اینکه انتخاب نام در قانون به اعلام‌کننده ولادت سپرده شده، این اختیار مطلق نیست. برای نام‌گذاری می‌توان از نام ساده یا مرکب استفاده کرد؛ به شرط آنکه عرفا یک نام محسوب شود.

ثبت احوال فهرست عمومی و مستقلی از نام‌های ممنوع منتشر نمی‌کند، اما والدین می‌توانند پیش از انتخاب نهایی، نام مورد نظرشان را در سامانه تعاملی این سازمان جست‌وجو و امکان ثبت آن را بررسی کنند. هر نام ناآشنا یا کم‌کاربردی لزوما ممنوع نیست. ممکن است نامی در بانک اطلاعاتی ثبت احوال وجود نداشته باشد، اما پس از بررسی ریشه و معنای آن تایید شود. این موضوع به‌ویژه درباره نام‌های محلی، قومی و واژه‌هایی که ریشه ایرانی دارند اهمیت پیدا می‌کند.

ثبت احوال برای تسهیل این فرآیند، سامانه تعاملی نام را در اختیار والدین قرار داده است تا پیش از انتخاب نهایی، وضعیت نام پیشنهادی را بررسی کنند. برای مثال در بررسی‌های خبرنگار روزنامه «آگاه» مشخص شد نام «غلامرضا» با اینکه نامی پرتکرار در نسل‌های قبل بوده است، در دسته نام‌های غیر مجاز سازمان ثبت احوال است. همچنین واژه خیرالنساء نمی‌تواند به عنوان نام دختر انتخاب شود اما نام «نساء» قابل انتخاب است. برخی نام‌ها مانند «متین» نیز که درگذشته هم به دختر و هم پسر اطلاق می‌شد، امروز نامی پسرانه است و نام «ماهور» برای دختر و پسر انتخاب می‌شود.

نام، یکی از نخستین نشانه‌های هویت هر فرد و بخشی از تصویری است که او از خود و جایگاهش در جامعه می‌سازد. نام‌ها می‌توانند حامل خاطره خانوادگی، ریشه قومی، زبان، مذهب و آرزوهای والدین باشند. فرد نیز در طول زندگی، گاه با نام خود احساس نزدیکی می‌کند و گاه می‌کوشد از معنای تحمیل‌شده آن فاصله بگیرد.

گاهی ناآشنایی یک نام، حتی پیش از ثبت در شناسنامه به چالشی برای خانواده تبدیل می‌شود. کاربری در شبکه‌های اجتماعی روایت کرده که ۳۱۰ روز طول کشیده است تا نام ترکی «ائلرا» را برای فرزندش در شناسنامه ثبت کند؛ نامی که به گفته او ترکی است، اما برای مسئولان یا سامانه ثبت احوال جلفا آشنا نبوده است. درسوی دیگر ماجرا، یکی ازمعلمان ازدانش‌آموزی گفته که ازنام خود، «دلا»، خجالت می‌کشد و هربار کسی نامش را می‌پرسد، نام دیگری به زبان می‌آورد. دو روایت متفاوت که نشان می‌دهند فاصله میان انتخاب والدین و پذیرش اجتماعی یک نام، گاهی می‌تواند به تجربه‌ای دشوار تبدیل شود.

یک نام برای تمام عمر

درکنار تغییر سلیقه خانواده‌ها در انتخاب نام، آمار تولدها تعداد نام‌گذاری‌های امسال را نشان می‌دهد. براساس آخرین آمار اعلام‌شده ازسوی رئیس سازمان ثبت احوال، در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۵ تعداد ۴۲۸ هزار و ۶۶۴ نوزاد درکشور متولد شده‌اند. نسبت جنسی نوزادان متولدشده نیز ۱۰۸ پسر در برابر هر ۱۰۰ دختر اعلام شده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته که حدود ۴۶۰ هزار مورد بوده، ازکاهش نزدیک به هفت‌درصدی تولدها حکایت دارد. اما با این وجود انتخاب نام همچنان یکی از نخستین تصمیم‌های خانواده‌ها برای شکل دادن به هویت فرزندشان است.

در نهایت، مسئله فقط این نیست که کدام نام زیباتر، خاص‌تر یا پرطرفدارتر است. نامی که والدین انتخاب می‌کنند، بخشی از هویت فردی کودک خواهد شد؛ هویتی که او در مدرسه، محیط کار، روابط اجتماعی و تمام سال‌های زندگی با آن شناخته می‌شود. شاید به همین دلیل است که میان میل والدین به متفاوت بودن و ضرورت انتخاب نامی متناسب، همیشه نوعی تعادل لازم است. نام‌ها با زمان تغییر می‌کنند، بعضی از مد می‌افتند و بعضی دوباره زنده می‌شوند؛ اما صاحب نام، قرار است سال‌های طولانی با انتخاب امروز دیگران زندگی کند.



راهنمای عبور از هفت‌خوان ثبت احوال



بر اساس ضوابط ثبت احوال، نام‌هایی که نامناسب، مغایر عرف یا مشمول ممنوعیت‌های قانونی باشند، امکان ثبت ندارند. ماده ۲۰ قانون ثبت احوال، از جمله انتخاب نام‌هایی را که موجب هتک حرمت مقدسات اسلامی شوند، عناوین و القاب، نام‌های زننده و مستهجن و نام‌های نامتناسب با جنس ممنوع می‌داند. تشخیص مصادیق نام‌های ممنوع نیز بر عهده شورای عالی ثبت احوال است.

ثبت احوال فهرست عمومی و جامعی از نام‌های ممنوع منتشر نمی‌کند؛ با این حال، والدین می‌توانند نام مورد نظر خود را در «سامانه تعاملی نام» جست‌وجو کنند و از امکان ثبت آن مطلع شوند. نمایش پیام‌هایی مانند «نام قابل انتخاب نیست» یا «واژه خارجی است» به این معناست که ثبت نام از مسیر عادی سامانه امکان‌پذیر نیست.

اگر نام انتخابی در سامانه نبود، چه باید کرد؟

نبودن یک نام در فهرست سامانه لزوما به معنای ممنوع بودن آن نیست. والدین می‌توانند پس از تولد فرزند، درخواست بررسی نام را همراه با مدارک و مستندات مربوط به ریشه و معنای آن ثبت کنند. این درخواست در کمیته مربوطه بررسی می‌شود و در صورت احراز ایرانی بودن نام، امکان صدور مجوز وجود دارد.

اگر نام به دلیل خارجی بودن رد شده باشد، اما خانواده مدارک معتبری در اثبات ریشه و معنای ایرانی آن در اختیار داشته باشد، می‌تواند با ارائه این مستندات درخواست بررسی دوباره کند.

اگر درخواست رد شود، راه دیگری وجود دارد؟

در صورتی که سامانه امکان ثبت درخواست مجدد را ندهد یا پاسخ منفی صادر کند و والدین همچنان بر انتخاب نام اصرار داشته باشند، امکان پیگیری موضوع از طریق مراجع قضایی وجود دارد. در این مسیر، لازم است پاسخ منفی سامانه دریافت یا چاپ شود و همراه با شکایت به مرجع قضایی ارائه شود تا موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

ثبت ولادت و دریافت شناسنامه چگونه انجام می‌شود؟

درخواست صدور شناسنامه نوزاد از طریق سامانه «سهیم» ثبت می‌شود، اما بر اساس رویه اعلام‌شده، دریافت شناسنامه همچنان با مراجعه حضوری به اداره ثبت احوال انجام می‌گیرد. درخانواده‌هایی که ازدواج دائم و ثبت‌شده دارند، معمولا پدر برای ثبت ولادت و نام‌گذاری اقدام می‌کند.

اگر ازدواج دائم والدین ثبت نشده باشد، حضور همزمان پدر و مادر در اداره ثبت احوال، امضای دفترکل ثبت وقایع و ارائه مدارک بیمارستان و گواهی ولادت لازم است. برای کودکان تحت سرپرستی نیز صدور شناسنامه پس از ابلاغ حکم قطعی دادگاه و با حضور سرپرست یا سرپرستان انجام می‌شود.

ثبت ولادت و صدور شناسنامه برای فرزندان اتباع خارجی یا مواردی که پدر خارجی و مادر ایرانی است، تشریفات خاصی دارد؛ از جمله احراز شرایط قانونی ورود و اقامت والدین و ارائه مدارک مربوط به ازدواج، از جمله پروانه زناشویی رسمی در موارد لازم. فرآیند ثبت ولادت و انتخاب نام نیز امروز با خدمات الکترونیکی همراه شده است. درخواست برخی خدمات مربوط به تولد و شناسنامه از طریق سامانه سهیم انجام می‌شود، هرچند دریافت شناسنامه نوزاد، مطابق رویه اعلام‌شده، همچنان ممکن است به مراجعه حضوری نیاز داشته باشد.

سامانه‌های مرتبط:

– سامانه تعاملی نام و خدمات ثبت احوال: sabteahval.ir

– سامانه سهیم: sahim.sabteahval.ir

فرهنگیانی که تا ۳۰ آبان بازنشسته نشوند، امسال ماندگارند



معاونت برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش‌وپرورش با ابلاغ ضوابط اجرایی بازنشستگی کارکنان در سال ۱۴۰۵، بر تعیین تکلیف وضعیت کارکنان مشمول، صدور به موقع احکام بازنشستگی و تسریع در فرآیند پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» در راستای اجرای دقیق و یکسان ضوابط بازنشستگی کارکنان، صیانت از حقوق آنان و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای، ضوابط و الزامات اجرایی فرآیند بازنشستگی سال ۱۴۰۵ طی ابلاغیه‌ای از سوی علی فرهادی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش‌وپرورش، به مدیران کل آموزش‌وپرورش استان‌ها ابلاغ شد. بر اساس این ابلاغیه، ملاک عمل در ساماندهی و اجرای فرآیند بازنشستگی نیروهای آموزشی، شیوه‌نامه ساماندهی نیروی انسانی مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، به‌ویژه مواد ۱۱ و ۱۵ ضوابط عمومی و ماده ۸ ضوابط تامین نیروی انسانی با موضوع بازنشستگی نیروهای آموزشی است. فرآیند شناسایی، بررسی و انجام مراحل اداری بازنشستگی کارکنان مشمول باید مطابق ضوابط و الزامات این شیوه‌نامه و در مواعد مقرر انجام شود. همچنین ۲۳ آبان ۱۴۰۵ به عنوان موعد نهایی تعیین تکلیف وضعیت بازنشستگی کارکنان تعیین شده است.

صدور احکام قطعی بازنشستگی کارکنان واجد شرایط نیز باید با رعایت کامل ضوابط و مقررات، حداکثر تا پایان آبان ۱۴۰۵ انجام شود. پس از مهلت تعیین شده، صدور حکم بازنشستگی مجاز نخواهد بود؛ مگر در موارد خاص ناشی از عدم نیاز قطعی به ادامه خدمت کارکنان، مشروط بر اینکه موجب ایجاد تعهد جدید یا بت حق‌التدریس نشود و صدور حکم به تایید مشترک مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری و دفتر برنامه، بودجه و مدیریت منابع برسد.

همچنین کارکنانی که مشمول بازنشستگی هستند، اما حکم بازنشستگی آنان تا ۳۰ آبان ۱۴۰۵ صادر نشده باشد، مشمول استمرار خدمت تلقی شده و بازنشستگی آنان در پایان سال تحصیلی، مطابق ضوابط و مقررات مربوط انجام خواهد شد. مهلت نهایی تکمیل فرآیند بازنشستگی این کارکنان ۳۰ آبان تعیین شده و قابل تمدید نخواهد بود.

در راستای تسریع در پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان، تکمیل به‌موقع فرآیند صدور احکام بازنشستگی و دریافت شناسه دفترکل و شماره مستمری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، با پیگیری مستمر مراحل اداری و رفع موانع موجود، گام‌های نهایی برای پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان بازنشسته فراهم خواهد شد. دریافت شناسه دفترکل و شماره مستمری به منظور برقراری حقوق بازنشستگی، از الزامات پرداخت پاداش پایان خدمت و مطالبات مربوط به مرخصی ذخیره کارکنان است. بر این اساس، ادارات کل آموزش‌وپرورش استان‌ها موظف‌اند با پیگیری مستمر از صندوق‌های بازنشستگی ذی‌ربط، اقدامات لازم را برای تسریع در تکمیل فرآیند صدور احکام بازنشستگی و دریافت شناسه دفترکل و شماره مستمری انجام دهند.

پول گواهی اسقاط نقد دریافت می‌شود، اما مراکز ماه‌ها منتظر می‌مانند!



رئیس هیات مدیره انجمن صنفی مراکز اسقاط خودرو خراسان رضوی با انتقاد از رویه حاکم بر تسویه حساب خودروسازان با مراکز اسقاط، گفت: خودروسازان هزینه گواهی اسقاط را به‌صورت کاملا نقدی از مردم دریافت می‌کنند، اما در زمان پرداخت به مراکز اسقاط، روند کار را به شکل اعتباری و با ماه‌ها تاخیر پیش می‌برند.

سیدامیر احمدی با تشریح چالش‌ها و رکود حاکم بر بخش نوسازی و اسقاط خودروها به «ایسنا» گفت: یکی از مشکلات جدی امروز مراکز اسقاط و بازیافت، رویه‌ای است که در آن خودروسازان هنگام پیش‌فاکتور یا صدور فاکتور خودروی صفر کیلومتر، وجه مربوط به گواهی اسقاط را به‌صورت نقدی دریافت می‌کنند؛ اما هنگام استفاده از گواهی و تسویه با مراکز اسقاط، پرداخت را به شکل اعتباری یا با چند ماه تاخیر انجام می‌دهند.

وی با طرح این پرسش که در کدام ماده از قانون ساماندهی صنعت خودرو یا آیین‌نامه اجرایی آن، فروش اعتباری گواهی اسقاط به این شکل پیش‌بینی شده، تصریح کرد: متاسفانه وجهی که از مردم به‌صورت نقد دریافت می‌شود، به موقع به مراکز اسقاط پرداخت نمی‌شود و این رویه عملا می‌تواند بار تامین مالی خودروسازان را به مراکز اسقاط منتقل کند.

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی مراکز اسقاط خودرو خراسان رضوی نتیجه این وضعیت را کند شدن جریان مالی مراکز دانست و گفت: نتیجه این وضعیت، کاهش نقدینگی مراکز و ناتوانی آنها در خرید خودروهای فرسوده از مردم است؛ چراکه وقتی مرکز اسقاط نقدینگی کافی نداشته باشد، نمی‌تواند خودروی فرسوده را از مالک خریداری کرده که در نتیجه آن زنجیره اسقاط با خلل روبه‌رو می‌شود.

احمدی با اشاره به ورود نهادهای نظارتی به تخلفات این حوزه خاطرنشان کرد: اخیرا سردار مولوی، بازرس ویژه رئیس جمهور، به بحث رکود اسقاط خودروهای فرسوده و تخلفات صورت گرفته توسط نهادهای مجری اسقاط کشور ورود کرده، که از جمله این تخلفات می‌توان به عدم اعلام افزایش قیمت گواهی اسقاط، ایجاد زمینه فروش نقدی ۱.۵ درصد بابت شماره‌گذاری خودروهای تولید داخل و مسدودسازی گواهی‌های اسقاط تولیدشده توسط مراکز برای ایجاد فشار به آنها و فروش گواهی‌های تولیدی به قیمت قبل اشاره کرد که این مسائل نیازمند پیگیری و برخورد جدی است.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه ۶۹۰

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۰۲۱-۹۲۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

یکشنبه

۲۴ آبان ماه ۱۴۰۵

۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

چرا مغز انسان گاهی هنگ می‌کند؟

روزی ۳۰ دقیقه هیچ کاری نکنید!

حتما برای شما هم پیش آمده که ساعت‌ها برای حل یک مشکل تلاش کرده‌اید ولی درست زمانی که مشغول کاری هستید، ناگهان راه‌حل مسئله به ذهنتان می‌رسد. محبوبه مرادی، روان‌شناس بالینی و مشاور، با اشاره به نقش سکوت و استراحت ذهنی در افزایش خلاقیت و توانایی حل مسئله، می‌گوید: حتما برای شما هم پیش آمده که ساعت‌ها برای حل یک مشکل یا نوشتن یک متن خلاقانه تلاش کرده‌اید، اما هرچه بیشتر فکر کرده‌اید، کمتر به نتیجه رسیده‌اید؛ در مقابل، گاهی درست زمانی که مشغول حمام کردن، ظرف شستن یا قدم زدن هستید، ناگهان راه‌حل همان مسئله به ذهنتان می‌رسد. این تجربه جالب نشان می‌دهد که همیشه لازم نیست برای پیدا کردن پاسخ، بیشتر به ذهنمان فشار بیاوریم؛ گاهی کافی است کمی به آن فرصت بدهیم.

دکمه خاموشی تمرکز را بزنید!

مرادی با بیان اینکه مغز ما در شرایط مختلف از شیوه‌های متفاوتی برای پردازش اطلاعات استفاده می‌کند، توضیح می‌دهد: «وقتی تمام توجهمان را روی یک موضوع می‌گذاریم و سعی می‌کنیم با تمرکز زیاد مسئله‌ای را حل کنیم، مغز در حالت تمرکز مستقیم قرار می‌گیرد. در این وضعیت، ذهن تلاش می‌کند اطلاعات مرتبط با همان موضوع را بررسی و پردازش کند. اما وقتی برای مدتی از آن کار فاصله می‌گیریم و اجازه می‌دهیم ذهنمان آزادانه حرکت کند، مغز از کار نمی‌افتد؛ بلکه وارد شکل دیگری از فعالیت می‌شود.

معجزه سکوت

وی ادامه می‌دهد: «در این شرایط، شبکه پیش‌فرض مغز فعال‌تر می‌شود؛ شبکه‌ای که می‌توان آن را به یک اتاق فکر پنهان در ذهن تشبیه کرد. در این اتاق فکر، خاطرات، تجربه‌های گذشته، آموخته‌ها و حتی اطلاعاتی که شاید در نگاه اول هیچ ارتباطی با مسئله فعلی ما نداشته باشند، کنار هم قرار می‌گیرند و ارتباطات تازه‌ای می‌سازند. گاهی همین ارتباط‌های تازه باعث می‌شوند راه حلی به ذهنمان برسد که با ساعت‌ها فکر کردن مستقیم نتوانسته بودیم پیدایش کنیم.»

این وسیله جیبی کار را خراب می‌کند!

این روان‌شناس بالینی با اشاره به یکی از عادت‌های رایج زندگی امروز می‌گوید: «ما تقریبا هیچ فرصتی برای تنها ماندن با ذهن خودمان باقی نگذاشته‌ایم. کافی است چند دقیقه در صف منتظر بمانیم، بین دو کار استراحت کنیم یا برای مدتی بیکار باشیم؛ خیلی زود سراغ تلفن همراه می‌رویم، پیام‌ها را بررسی می‌کنیم، موسیقی گوش می‌دهیم یا پادکست و اخبار پخش می‌کنیم. انگار حتی چند دقیقه سکوت هم برایمان دشوار شده است!»

این تمرین فقط ۳۰ دقیقه وقت می‌خواهد

وی نخستین راهکار برای تقویت خلاقیت ذهنی را تمرین سکوت و کنار آمدن با لحظات بدون محرک می‌داند و توضیح می‌دهد: «بهتر است در طول روز، حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه را به خودمان و ذهنمان اختصاص دهیم؛ زمانی که در آن خبری از تلفن همراه، موسیقی، پادکست، اخبار و صفحه نمایش نباشد. شاید در ابتدا کمی عجیب یا حتی خسته‌کننده به نظر برسد، اما لازم است به خودمان اجازه دهیم گاهی هیچ کار خاصی انجام ندهیم و صرفا در لحظه حضور داشته باشیم.»

از پنجره بیرون را ببینید

این مشاور با اشاره به اینکه برای این تمرین نیازی به برنامه‌ریزی پیچیده نداریم، می‌گوید: «می‌توانیم پیاده روی کنیم، بدون هدفون به صدای محیط گوش بدهیم، از پنجره به خیابان نگاه کنیم یا حتی هنگام ظرف شستن و مرتب کردن خانه، تلفن همراه را کنار بگذاریم. همین فعالیت‌های ساده و تکراری می‌توانند فرصتی برای آرام‌تر شدن ذهن و شکل‌گیری ایده‌های تازه فراهم کنند.»

مغز عزیز لطفا استراحت کن!

مرادی دومین راهکار را فاصله گرفتن هوشمندانه از مسئله در زمان مواجهه با بن‌بست ذهنی می‌داند و می‌گوید: «حتما برایتان پیش آمده که هرچه بیشتر به یک موضوع فکر می‌کنید، بیشتر احساس سردرگمی می‌کنید. در چنین شرایطی بهتر است به‌جای اینکه مدام به خودتان فشار بیاورید، برای مدتی مسئله را کنار بگذارید. می‌توانید کمی قدم بزنید، یک فعالیت ساده انجام دهید یا به خودتان استراحت بدهید. گاهی ذهن درست در همین فاصله کوتاه، فرصت پیدا می‌کند اطلاعات را مرتب کند و به ارتباط‌هایی برسد که پیش از آن متوجه‌شان نشده بودیم.»

نه به فرار، آری به فاصله

وی تاکید می‌کند: «فاصله گرفتن از یک مسئله به معنای فرار کردن از آن یا بی‌توجهی به مسئولیت‌ها نیست؛ بلکه نوعی استراحت هدفمند است که به ذهن فرصت می‌دهد از زاویه دیگری به موضوع نگاه کند. البته این به معنای آن نیست که هر ایده‌ای حتما در زمان استراحت به ذهن می‌رسد، اما فراهم کردن فرصت سکوت و کاهش محرک‌های بیرونی می‌تواند زمینه بروز خلاقیت را بیشتر کند.»

آب و هوا

هشدار نارنجی آلودگی هوا در تهران

سازمان هواشناسی برای تهران هشدار نارنجی آلودگی هوا صادر کرد. از سوی دیگر سامانه بارشی غروب امروز یک‌شنبه، وارد کشور می‌شود. بررسی مدل‌های هواشناسی حاکی از آن است که امروز یک‌شنبه، در اکثر مناطق کشور جو پایدار همراه با افزایش نسبی دما حاکم است. طی این مدت شهرهای صنعتی و پرجمعیت به ویژه تهران، کرج، اصفهان و اراک افزایش غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا روی می‌دهد. از اواخر امروز یک‌شنبه با نفوذ جریانات سرد شمالی، ابتدا روی غرب سواحل دریای خزر، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بارش‌ها آغاز می‌شود و روزهای دوشنبه و سه شنبه با تقویت سامانه بارشی در شمال غرب، استان‌های ساحلی دریای خزر، گلستان، ارتفاعات البرز و برخی مناطق شمال شرق کشور وزش باد، رعدوبرق، کاهش محسوس دما و در مناطق سردسیر بارش برف روی می‌دهد. روز چهارشنبه در برخی مناطق جنوب کرمان، سیستان و بلوچستان، شمال و شرق هرمزگان در ساعات بعدازظهر و اوایل شب رشد ابرگاهی همراه با رگبار، صاعقه و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. طی دو روز آینده خلیج فارس، دریای عمان و از اواخر روز یک‌شنبه تا سه‌شنبه دریای خزر مواج است.



قله عباسعلی کمرپشت؛ مقصد محبوب کوهنوردان در پاییز

قله امامزاده عباسعلی روستای کمرپشت در منطقه سوادکوه استان مازندران و در فاصله حدود ۱۹۴ کیلومتری تهران واقع شده و مسیر دسترسی به روستای کمرپشت در ارتفاع ۱۵۶۰ متری از سطح دریا آغاز می‌شود و این قله که با نام قله لاکمر نیز شناخته می‌شود، با ارتفاع ۲۳۱۰ متر از سطح دریا در میان دیگر قلل منطقه قرار گرفته است. مسیر صعود به این قله جنگلی و با حدود چهار ساعت جنگل‌نوردی و کوهپیمایی می‌توان به قله رسید و پوشش گیاهی منطقه شامل پونه، آویشن، گلپر، ازگیل، زرشک، آلو و درختان بلوط است. آب و هوای ملایم و خنک این قله آن را به یکی از محبوب‌ترین مقاصد کوهنوردان و دوستداران طبیعت تبدیل کرده است.

عکس: ایسنا / حسن عیسی‌پور

هکرها اطلاعات هزاران راننده «اوبر» را دزدیدند!



«اوبر» تایید کرد که هکرها در جریان یک نشت اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به گواهینامه هزاران راننده را به سرقت برده‌اند.

شرکت «اوبر»(Uber) به هزاران راننده اطلاع داد که اطلاعات شخصی و اطلاعات گواهینامه رانندگی آنها طی یک رخداد نشت داده در ماه اکتبر به سرقت رفته است. به گزارش تک کرانچ، این غول حوزه خدمات درخواست خودرو در اطلاعیه‌هایی که طی هفته گذشته به دادستان‌های کل چندین ایالت آمریکا از جمله کالیفرنیا فرستاد، اعلام کرد در تاریخ ۹ اکتبر از سوی ارائه‌دهنده خدمات فهمیده است که هکرها با نفوذ به سیستم، اعتبارنامه‌های داخلی را به سرقت برده‌اند و از آنها برای دسترسی به داده‌ها استفاده کرده‌اند.

این شرکت اعلام کرد که متعاقبا اطلاع‌رسانی به رانندگان تحت تاثیر را آغاز کرده و به آنها خبر داده است که اطلاعات شخصی‌شان نزد آن ارائه‌دهنده ذخیره شده‌اند. این دومین مورد نقض امنیتی شناخته شده اوبر در سال جاری است. این شرکت از یک حادثه امنیتی در واحد حمل‌ونقل کامیون‌های «اوبر فرایت»(Uber Freight) خود خبر داد که طی آن یک باند اخاذی، مسئولیت سرقت داده‌ها را بر عهده گرفت.

مهارت

آموزش هواگیری شوفاژو رادیاتور

چرا شوفاژ بعد از هواگیری گرم نمی‌شود؟

هواگیری شوفاژ راه حلی ساده برای رفع سردی بالای رادیاتور، صدای شرشر آب و گرم نشدن یکنواخت شوفاژ است. هواگیری شوفاژ یعنی تخلیه هوای محبوس شده از داخل رادیاتور و مدار گرمایش. وقتی هوا وارد سیستم می‌شود، گردش آب گرم مختل می‌شود و رادیاتور گرمای یکدستی ندارد.

هوا سبک‌تر از آب است و معمولا در بالاترین نقطه رادیاتور جمع می‌شود. به همین دلیل رایج‌ترین نشانه هوا گرفتن، سرد بودن بالای رادیاتور و گرم بودن پایین آن است. با بازکردن شیر هواگیری، هوا خارج می‌شود، آب گرم جای آن را می‌گیرد و گرمایش به حالت طبیعی برمی‌گردد.

از کجا بفهمیم شوفاژ هوا گرفته است؟

نیازی نیست اول فصل سرما همه رادیاتورها را هواگیری کنید. اگر یکی از علائم زیر را دیدید، احتمالا نوبت هواگیری رادیاتور رسیده است.

۱. سرد بودن بالای رادیاتور: پایین رادیاتور گرم است ولی بالا سرد می‌ماند. این مهم‌ترین علامت جمع شدن هوا در قسمت بالایی است.

۲. گرم نشدن یکنواخت شوفاژ: بخشی از بدنه داغ و بخشی دیگر ولرم یا سرد است.

۳. شنیدن صدای شرشر، قل‌قل یا جریان آب: هنگام روشن بودن پکیج از داخل رادیاتور صدای غیرعادی می‌آید.

۴. افت محسوس گرما: پکیج روشن است ولی اتاق مثل قبل گرم نمی‌شود.

۵. بعد از تعمیر یا تخلیه مدار: اگر به تازگی رادیاتور تعمیر شده، پکیج سرویس شده یا آب مدار تخلیه و پر شده، ورود هوا طبیعی است.

اگر فقط یک رادیاتور این علائم را دارد، همان را هواگیری کنید. اگر چند رادیاتور همزمان سرد هستند، همه را بررسی کنید.

وسایل لازم برای هواگیری شوفاژ

برای هواگیری شوفاژ به ابزار خاصی نیاز ندارید:

- آچار مخصوص هواگیری رادیاتور (در مدل‌های جدید گاهی پیچ گوشتی تخت هم جواب می‌دهد)
- یک ظرف کوچک یا لیوان برای جمع کردن آب
- دستمال یا حوله کهنه برای جلوگیری از خیس شدن دیوار و کف

آموزش نحوه هواگیری شوفاژ مرحله به مرحله

این روش برای هواگیری رادیاتور پکیج، شوفاژ مرکزی و اکثر رادیاتورهای پره‌ای و پنلی یکسان است.

۱. سیستم گرمایشی را خاموش کنید: پکیج یا موتورخانه را خاموش کنید و ۱۵ تا ۲۰ دقیقه صبر کنید تا رادیاتورها خنک شوند. هواگیری رادیاتور داغ باعث پاشیدن آب جوش و سوختگی می‌شود.

۲. شیرهای رادیاتور را باز بگذارید: مطمئن شوید شیر ورودی و شیر خروجی رادیاتور باز است. در غیر این صورت هوا کامل تخلیه نمی‌شود.

۳. ظرف و دستمال را زیر شیر بگذارید: شیر هواگیری در بالا و گوشه رادیاتور قرار دارد و یک پیچ مربعی کوچک است. ظرف را دقیقا زیر آن بگیرید.

۴. شیر هواگیری را به‌آرامی باز کنید: آچار را روی شیر بگذارید و یک‌ربع دور خلاف جهت عقربه‌های ساعت بچرخانید. کامل باز نکنید. در این لحظه صدای خش‌خش خروج هوا شنیده می‌شود.

۵. منتظر خروج یکدست آب بمانید: اول هوا، بعد ترکیب هوا و آب به‌صورت نامنظم بیرون می‌آید. وقتی صدای هوا قطع شد و آب به‌صورت پیوسته و بدون پاشش خارج شد، یعنی هواگیری تمام شده است. اجازه ندهید آب زیادی هدر برود.

۶. شیر را ببندید و فشار را کنترل کنید: شیر را در جهت عقربه‌های ساعت ببندید. در حدی سفت کنید که چکه نکند، فشار بیش از حد به رزوه آن آسیب می‌زند. سپس همین مراحل را برای رادیاتورهای مشکوک دیگر تکرار کنید.

تنظیم فشار پکیج بعد از هواگیری

هنگام هواگیری شوفاژ مقداری آب از مدار خارج می‌شود، پس افت فشار پکیج طبیعی است. اگر فشار خیلی پایین باشد، به‌خصوص رادیاتورهای طبقات بالا گرم نمی‌شوند. فشار را وقتی بررسی کنید که رادیاتورها سرد هستند. عدد مناسب برای بیشتر پکیج‌های خانگی بین یک تا ۱.۵ بار است. عدد دقیق را از دفترچه همان مدل ببینید.

اگر عقربه پایین‌تر است، شیر پرکن زیر پکیج را به‌آرامی باز کنید تا فشار به محدوده مجاز برسد، بعد شیر را کامل ببندید. اگر فشار مدام کم می‌شود یا بالا و پایین می‌پرد، احتمال نشتی یا خرابی منبع انبساط وجود دارد و باید سرویس‌کار بررسی کند. ترتیب درست این است: اول هواگیری شوفاژ، بعد تنظیم فشار پکیج، بعد روشن کردن گرمایش.



#تجربه_کردم

«نابودی دل» ما دوستداران اهل بیت(ع) درست موقعی شروع می‌شه که دو-سه کار می‌کنیم:
آدم‌هایی رو که - بهمون ثابت شده - «خیرخواه» ما بوده‌ن؛ از رفاقت... معلمی... و درکل؛ زندگی‌مون، حذف می‌کنیم.
می‌گیم: حالا چند وقت هم «اون‌ور» رو امتحان کنم... «شاید» بد هم نباشه... و بدتر از همه: در رفاقت یا همسری، آدمی اشتباهی رو انتخاب می‌کنیم... آدمی که «اهل بیتی»ه... اما «عاشق»شون نیست... براش «بخشی از زندگی دنیا»ن.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

خوراکی‌های فصل آلودگی هوا

آلودگی هوا یکی از عواملی است که می‌تواند سلامت افراد را تحت تاثیر قرار دهد. در روزهایی که کیفیت هوا کاهش پیدا می‌کند، علاوه بر رعایت توصیه‌های بهداشتی و کاهش حضور غیرضروری در فضای باز، توجه به تغذیه نیز اهمیت دارد. مصرف میوه‌ها، سبزیجات، مغزها، ماهی و دیگر مواد غذایی مفید می‌تواند به تامین نیازهای بدن و حفظ سلامت کمک کند. برخی از این خوراکی‌ها به دلیل داشتن ویتامین‌ها و ترکیبات مفید، انتخاب‌های مناسبی برای برنامه غذایی روزهای آلوده هستند.

- **مرکبات و کیوی را فراموش نکنید:** پرتقال، نارنگی، کیوی و فلفل دلمه‌ای از منابع خوب ویتامین C هستند. این ویتامین به محافظت از سلول‌های بدن کمک می‌کند و برای عملکرد طبیعی دستگاه ایمنی نیز ضروری است.
- **بادام و تخمه آفتابگردان میان وعده‌های مغذی:** بادام، فندق و تخمه آفتابگردان از منابع ویتامین E هستند که به محافظت از سلول‌های بدن در برابر آسیب کمک می‌کند. گنجاندن مقدار متعادلی از این خوراکی‌ها در برنامه روزانه، راهی ساده برای دریافت ویتامین E است.
- **ماهی و گردو را در برنامه غذایی قرار دهید:** ماهی‌های چرب مانند سالمون، ساردین و قزل‌آلا از منابع امگا ۳ هستند. گردو و بذرکتان نیز مقداری از این چربی مفید را در اختیار بدن قرار می‌دهند. امگا ۳ در سلامت قلب و عروق و تنظیم فرآیندهای التهابی بدن نقش دارد. به همین دلیل دریافت کافی آن بخشی از یک برنامه غذایی سالم به شمار می‌رود.
- **سبزیجات رنگی را از سفره حذف نکنید:** هویج، اسفناج و کدوحلوایی سرشار از ترکیبات گیاهی مفیدی هستند که به حفظ سلامت بدن کمک می‌کنند. برخی از این ترکیبات در بدن به ویتامین A تبدیل می‌شوند که برای سلامت چشم، پوست و عملکرد طبیعی دستگاه ایمنی اهمیت دارد.
- **سیر، پیاز و کلم بروکلی، انتخاب‌هایی برای تنوع غذایی:** سیر و پیاز از مواد غذایی پرکاربرد در آشپزی ایرانی هستند و کلم بروکلی نیز می‌تواند به شکل‌های مختلف در برنامه غذایی قرار بگیرد. این خوراکی‌ها ترکیبات گیاهی مفیدی دارند که در فرآیندهای دفاعی بدن نقش دارند.
- **سیب، جو دوسر و حبوبات برای سلامت دستگاه گوارش:** سیب، جو دوسر، عدس، لوبیا و نخود از منابع فیبر هستند. فیبر به عملکرد طبیعی دستگاه گوارش کمک می‌کند و مصرف کافی آن برای حفظ سلامت روده اهمیت دارد. سیب را می‌توان به عنوان میان وعده مصرف کرد، جو دوسر را در وعده صبحانه گنجاند و حبوبات را در تهیه غذاهایی مانند عدسی، خوراک لوبیا و انواع آش به کار برد.

برای داشتن برنامه غذایی مناسب در روزهای آلوده، نیازی به تهیه غذاهای خاص یا گران‌قیمت نیست. می‌توان با استفاده از خوراکی‌های معمولی و در دسترس، تنوع بیشتری به وعده‌های غذایی داد. برای نمونه نان و پنیر همراه با گردو و یک عدد میوه می‌تواند صبحانه‌ای ساده باشد. در وعده ناهار می‌توان سبزیجات را کنار غذا قرار داد و در وعده شام از ماهی یا یکی از غذاهای تهیه‌شده با حبوبات استفاده کرد. سیب، پرتقال، کیوی و مقداری مغز کم نمک نیز گزینه‌هایی برای میان وعده هستند. نکته مهم این است که به یک ماده غذایی خاص تکیه نکنیم. بدن برای حفظ سلامت به مجموعه‌ای از مواد مغذی نیاز دارد و مصرف متنوع میوه‌ها، سبزیجات، مغزها، حبوبات، غلات کامل و منابع پروتئینی به تامین این نیازها کمک می‌کند.



این پنج میوه را برای کاهش وزن بخورید

محققان دریافتند که زیرگروه‌های آنتی اکسیدان‌های قوی به نام فلاونوئیدها موجود در میوه‌ها و سبزیجات خاص ممکن است از افزایش وزن جلوگیری کنند.

به نقل از یاهو هلث، سالم‌ترین میوه‌هایی که بیشترین تاثیر را در حفظ وزن داشتند، به شرح زیر هستند

- **بلوبری:** «کری پترسون»، پزشک متخصص داخلی در بیمارستان لنوکس هیل در نیویورک، می‌گوید: «جدا از قدرت آنتی اکسیدانی، بلوبری سرشار از فیبر است که باعث می‌شود مدت طولانی‌تری احساس سیری کنیم. آنها یکی از سالم‌ترین میوه‌ها برای خوردن هستند. توت‌ها جزو سیرکننده‌ترین میوه‌ها هستند.»
- **سیب:** «شاراد پل»، متخصص تغذیه، می‌گوید: «سیب را با پوست بخورید تا فیبر بیشتر، آنتی اکسیدان‌ها و کنترل بهتری بر قند خون خود داشته باشید. جلوگیری از افزایش قند خون به از بین بردن هوس‌های غذایی و پرخوری کمک می‌کند و فقط تنها به محافظت در برابر دیابت کمک نمی‌کند.»
- **گلابی:** دکتر پترسون می‌گوید: «میوه‌هایی که سرشار از آنتی‌اکسیدان‌های فلاونوئیدی و سرشار از فیبر هستند، انتخاب‌های خوبی هستند. فیبر شما را سیر می‌کند و احساس سیری ایجاد می‌کند، بنابراین گلابی و سیب برای شما ارزش زیادی به ارمغان می‌آورند.»
- **توت فرنگی:** توت فرنگی به همان دلیلی که بلوبری به حفظ وزن کمک می‌کند سرشار از آنتوسیانین است. نگرانی این بود که خوردن میوه‌های شیرین به دلیل محتوای فروکتوز باعث افزایش وزن می‌شود. با این حال، برخی از میوه‌ها مانند سیب سبز، گلابی و توت‌ها مانند تمشک، توت فرنگی و بلوبری جزو بهترین میوه‌ها برای خوردن به عنوان بخشی از برنامه مدیریت وزن هستند، نه تنها به این دلیل که شیرینی کمتری دارند، بلکه به دلیل محتوای فلاونوئید بالایی که دارند.
- **فلفل‌ها:** فلفل‌ها، در کنار سالم‌ترین میوه‌ها، می‌توانند به کاهش وزن در صورت مصرف روزانه کمک کنند. در واقع، فلفل حتی ممکن است کاهش وزن را تحریک کند. در مطالعه‌ای که روی موش‌ها انجام شد، به نظر می‌رسد کپسایسین، مؤلفه‌ای موجود در فلفل‌های چیلی، سلول‌های چربی سفید را تشویق می‌کند تا به چربی قهوه‌ای انرژی‌سوز تبدیل شوند.